

## مقاله علمی

# شکل‌گیری هویت دانشجویی در آموزش عالی ایران پس از انقلاب: واکاوی ادراک استادان پیش‌کسوت ایرانی

حمید حیدری<sup>۱</sup>؛ سیروس منصوری<sup>۲</sup>؛ احمد بیگلری<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۸/۲۷ - تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۹/۲۷ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۱۰

### چکیده

هدف پژوهش حاضر، واکاوی ادراک استادان پیش‌کسوت از نحوه شکل‌گیری و دگرگونی هویت دانشجویی در آموزش عالی ایران پس از انقلاب اسلامی است. از آنجاکه مدل منسجمی در این زمینه گزارش نشده بود، پژوهش با رویکرد کیفی و روش نظریه داده‌بنیاد انجام شد. مشارکت‌کنندگان شامل ۱۲ نفر از استادان دانشگاه‌های ایران بودند که تجربه دانشجویی پیش از انقلاب داشته و اکنون به‌عنوان عضو هیئت علمی فعالیت می‌کنند. نمونه‌گیری به شیوه نظری انجام شد و گردآوری داده‌ها تا رسیدن به اشباع نظری از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته ادامه یافت. داده‌ها با کدگذاری باز، محوری، و انتخابی تحلیل شدند و مدل مفهومی استخراج شد. یافته‌ها نشان داد از دیدگاه مشارکت‌کنندگان، هویت دانشجویی پس از انقلاب در ابعاد فردی، اجتماعی، سیاسی، دینی، و حرفه‌ای بازتعریف شده و تحت تأثیر زمینه‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی معاصر قرار دارد. در مدل برساخته، فضای سیاسی حاکم بر آموزش عالی و فضای حاکم بر نهاد علم به‌عنوان عوامل علی و عوامل خانوادگی و عوامل اقتصادی/بازار کار به‌عنوان عوامل مداخله‌گر برجسته شدند. همچنین، از منظر مشارکت‌کنندگان، راهبردهای پیشنهادی برای بهبود هویت دانشجویی شامل واقع‌بینی و توجه به مسائل روز، حرفه‌ای‌سازی هویت از طریق تعاملات علمی، نگاه سیستمی به نظام آموزشی، و کاهش دغدغه‌های مالی دانشجویان است. این چهارچوب برآمده از ادراک استادان پیش‌کسوت است و می‌تواند در پژوهش‌های بعدی با تمرکز بر تجربه زیسته دانشجویان و/یا پیمایش، اعتبارسنجی و تکمیل شود. درنهایت، پیامدهای هویت دانشجویی در سه سطح فردی، سازمانی (دانشگاهی)، و ملی صورت‌بندی شد.

**کلیدواژه‌ها:** دانشگاه، هویت دانشجویی، دانشجوی پساانقلاب، عناصر هویت‌ساز، هویت اجتماعی

---

۱ استادیار گروه مطالعات علم و فناوری، موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

h.heydari@iscs.ac.ir

smansoori06@gmail.com

۲ دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه اراک، اراک، ایران.

a-biglari@araku.ac.ir

۳ استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه اراک، اراک، ایران.

## ۱. مقدمه

مطالعهٔ هویت دانشجویی به یکی از موضوعات مهم و مورد علاقهٔ پژوهشگران در حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی و رفتاری تبدیل شده است (نیازی و شفائی مقدم، ۱۳۹۸)، به‌گونه‌ای که در سال‌های اخیر پژوهش‌های متعددی دربارهٔ هویت دانشجویی در ابعاد هویت اجتماعی (زارع و ریگی، ۱۴۰۱)، هویت ملی (مصباحی مقدم و همکاران، ۱۴۰۱؛ فرجی هارمی و همکاران، ۱۴۰۱)، هویت قومی (شیردل، ۱۴۰۳)، هویت فردی (صدیقی ارفعی و همکاران، ۱۴۰۰؛ سلگی و پیرخائفی، ۱۴۰۰)، هویت دینی (حسن‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹؛ انصاری و همکاران، ۱۴۰۰؛ محمدتبار، ۱۴۰۴)، هویت سیاسی (نجف‌پور و تدین راد، ۱۴۰۰؛ قربانی و همکاران، ۱۴۰۱)، و هویت حرفه‌ای (محمدی و همکاران، ۱۴۰۰؛ احمدی و همکاران، ۱۴۰۳) روی دانشجویان انجام شده است. درک و کنکاش دربارهٔ مسئلهٔ هویت دانشجویی، به‌عنوان یک مسئلهٔ حیاتی در حوزهٔ آموزش عالی به حساب می‌آید. شاید استنباط این باشد که شناخت ویژگی‌ها، نیازها، و خواسته‌ها، منابع معرفتی، و ابعاد هویتی آن‌ها به برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران حوزهٔ آموزش عالی کمک می‌کند تا برنامه‌ریزی‌ها، استراتژی‌ها، و خط‌مشی‌هایی که برای این قشر طراحی می‌شود، آگاهانه و معطوف به نتیجهٔ مثبت باشد، زیرا بدون شناخت ابعاد هویتی دانشجویان، بسیاری از برنامه‌های آموزشی و فرهنگی ممکن است نتایج قابل قبولی نداشته باشد (آجاوی و همکاران، ۲۰۲۳). به همین دلیل مطالعه در حوزهٔ هویت برای صاحب‌نظران حوزه‌های علوم انسانی حائز اهمیت است (هوری و همکاران، ۲۰۲۴).

مسئلهٔ هویت، هویت‌یابی، و سیر تکامل آن یکی از مسائلی است که بسیاری از پژوهشگران علوم انسانی از روان‌شناسی و علوم تربیتی تا علوم اجتماعی و علوم سیاسی به‌دنبال فهم و بررسی آن هستند. مسئلهٔ هویت دانشجویی از شاخه‌های همین مسئله است. یکی از مشکلات بررسی هویت دانشجویی، ابهام و پیچیدگی در تعریف آن است. این امر، بیشتر به واژهٔ هویت برمی‌گردد که عمده‌تاً داری تعاریف مختلف و متنوع بوده و از طرفی نیز این موضوع به ابعاد مختلف هویت برمی‌گردد. باوجود پیچیدگی و عدم اتفاق نظر در مفهوم هویت (وان لیون، ۲۰۲۱) هویت در زبان فارسی، صفات جوهری، شخصیت، ذات، هستی، و وجود معنا شده است و می‌تواند هم به فرد و هم به جمع تعلق یابد. هویت در افراد یک ملت رخ می‌دهد و

سپس اجتماع را دربرمی‌گیرد. بنابراین، هویت داشتن تصویر روشن از چگونگی بودن است که ریشه در گذشته دارد، در حال شکل می‌گیرد و نظر به آینده دارد (زارعی متین و توره، ۱۳۸۶). در تعریف دیگر می‌توان گفت: مجموعه عوامل، آثار، و نشانه‌هایی که یک فرد را از فرد دیگر متمایز می‌کند (اعم از دینی، فرهنگی، اجتماعی، شخصیتی، سیاسی، و تاریخی) هویت نام دارد. هویت به‌عنوان یک ساختار روانی اجتماعی درونی که طرف فکر، عقاید، و خودپنداره فرد را شکل می‌دهد و بر این اساس نحوه تعامل فرد با دیگران را مشخص می‌کند (آنچی و همکاران، ۲۰۲۱) ترسیم می‌شود. در نگاهی دیگر می‌توان هویت را مجموعه ویژگی‌هایی توصیف کرد که تعلق فرد را به یک مکان محکم می‌کند و نظام ارزش‌های او را مشروعیت می‌بخشد. از این‌رو، اساسی‌ترین تکلیف هر فرد در زندگی از نوزادی و کودکی تا نوجوانی و بزرگسالی، آگاهی و پذیرش خود است؛ به این معنا که فرد در تلاش است تا احساسی از هویت خود کسب کند و کیستی خود را دریابد (هیون، ۱۹۹۴). بنابراین، اولین کارویژه هر هویتی، ایجاد وحدت و انسجام میان اجزا و سازندگان آن هویت است (نوروال، ۲۰۰۳). درواقع، گرچه دانشجو ممکن است هم‌زمان دارای هویت فردی، علمی-حرفه‌ای، اجتماعی، سیاسی، ملی، و دینی باشد، این ابعاد هویت به‌عنوان اجزایی به‌هم‌پیوسته یک کلیت را شکل می‌دهند و به انسجام‌بخشی به فرد در قالب فردی و گروهی کمک می‌کنند.

البته به‌ندرت می‌توان یک تقسیم‌بندی مورد توافق درباره انواع و یا ابعاد هویت یافت، اما شاید بتوان گفت به‌مثابه حوزه تخصصی، عمدتاً دو گروه شامل ۱- روان‌شناسان و ۲- جامعه‌شناسان/متخصصان علوم سیاسی به این مبحث می‌پردازند. روان‌شناسان بیشتر هویت و کیستی فرد را از نظر فردی و رشد شخصیت بررسی می‌کنند که نمونه بارز آن اریکسون است. این نظریه‌پردازان به‌دنبال این هستند که فرد در طول زندگی و در مراحل مختلف رشدی خود، خود را به‌عنوان یک فرد چگونه می‌یابد؟ چگونه آن را شکل می‌دهد و چگونه قابل پرورش است؟ درمقابل، نظریه‌پردازان در حوزه جامعه‌شناسی به‌دنبال این هستند که فرد خود را چگونه در جامعه، به‌عنوان یک موجود جمعی، یک عضو اجتماعی، عضو یک ملت، و هویت خود به‌عنوان یک شهروند اجتماعی می‌بیند. بنابراین، با در نظر گرفتن جنبه‌های مختلف هویتی می‌توان عمده‌ترین ابعاد هویتی یک دانشجو را در قالب هویت فردی، اجتماعی، سیاسی، مذهبی، ملی، و نهایتاً هویت علمی یا حرفه‌ای قلمداد کرد. با این وجود، از آنجا که

عمدهٔ هویت‌های دانشجویی از جمله هویت سیاسی، مذهبی، ملی، و علمی به صورت جمعی قابل طرح است، اساساً پژوهش حاضر بر هویت اجتماعی دانشجویی پساانقلاب تمرکز دارد. در این پژوهش، منظور از هویت دانشجویی مجموعه‌ای از معانی و نسبت‌هایی است که به واسطهٔ تجربهٔ دانشگاه و تعامل با محیط دانشگاهی، در سطح فردی و به‌ویژه در سطح اجتماعی (احساس تعلق، تعریف خود در نسبت با گروه‌ها/نهاد دانشگاه، و نقش دانشجو) شکل می‌گیرد. همچنین، باید تأکید شود که این مطالعه، هویت دانشجویان را به صورت مستقیم اندازه‌گیری/تحلیل نمی‌کند، بلکه به واکاوی ادراک استادان پیشکسوت از دگرگونی‌های هویت دانشجویی پس از انقلاب می‌پردازد.

دربارۀ عوامل و نهادهای مؤثر بر شکل‌گیری هویت می‌توان گفت نهادهای مختلفی در رشد و شکل‌گیری هویت فرد نقش ایفا می‌کنند. یکی از نهادهای مهم در دورهٔ بزرگسالی دانشگاه است، چون در آغاز شکل‌گیری نهاد دانشگاه، عمدتاً کارکرد آموزش عالی، تربیت نیروی ماهر انسانی برای بخش‌های اقتصادی جامعه بود (رحیمی‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۳) و این موضوع به مرور زمان و با گسترش آموزش عالی تا حد زیادی تغییر جهت داد و به سمت فرهنگی اجتماعی سوق پیدا کرد. به عبارت دیگر، در حال حاضر تنها از دانشگاه انتظار نمی‌رود که به دنبال تربیت افرادی با قابلیت‌هایی برای اعمال نقش در حد تکنسین باشد، بلکه از دانشگاه انتظار می‌رود در نقش نهادی فرهنگی و ایدئولوژیکی به تربیت دانشجویانی بپردازد تا به عنوان مصلحان اجتماعی نمود یابند. از این جهت است که بسیاری از رویکردهای ارزیابی از وضعیت آموزش عالی کارکردهای این نهاد را به دو دستهٔ اصلی کارکردهای اقتصادی - صنعتی در مقابل کارکردهای اجتماعی - فرهنگی، به عنوان دو کارکرد آموزش عالی، مطرح می‌کنند. از این رو، از دانشگاه انتظار می‌رود نه تنها به هویت حرفه‌ای و علمی از طریق آموزش‌های تخصصی بپردازد، بلکه ورودی‌های خود را از طریق فرایندهای یاددهی و یادگیری رسمی و غیررسمی و در ابعاد فردی، سیاسی، اجتماعی، و مذهبی تقویت کند. بنابراین، برخی از پژوهشگران (لایقی و نوه ابراهیم، ۱۳۹۱) یکی از راه‌های شناخت فرهنگ هر مرکز علمی را آشنایی دقیق با خرده‌فرهنگ‌ها و هویت دانشجویان آن قلمداد می‌کنند و نبود ثبات و یک‌پارچگی فرهنگی دانشگاه‌ها و نبودن ارزش و فرهنگ جامع در درون آن را باعث بحران هویت (علمی، سیاسی، دینی، اجتماعی، و ...) دانشجویان می‌دانند (ص ۱۱).

از آنجاکه ساختار و فضای ایدئولوژیک حاکم بر آموزش عالی پس از انقلاب اسلامی، یکی از کارکردهای مهم آموزش عالی را کارکردهای فرهنگی اجتماعی می‌دانست و از آنجاکه این فضا تأثیر چشم‌گیری بر هویت دانشجویی در ابعاد سیاسی، اجتماعی، و دینی گذاشته است، پژوهش حاضر بر آن است تا هویت دانشجویان کنونی را در فضای آموزش عالی بررسی کند. از آنجاکه ابعاد هویتی در دانشجویان عمدتاً صبغه اجتماعی دارد، بر این ساحت‌ها با صبغه اجتماعی تأکید شده است.

## ۲. پیشینه پژوهش

درباره هویت دانشجویی و ابعاد مختلف آن در سال‌های اخیر پژوهش‌هایی انجام شده است. به‌عنوان مثال، نیازی و شفائی مقدم (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «تبیین رابطه جامعه‌پذیری علمی و شکل‌گیری هویت دانشجویی» نشان داده‌اند که جامعه‌پذیری دانشگاهی، عضویت در اجتماعات علمی، تعامل با دوستان، و جو مشارکتی دانشکده با میزان هویت دانشجویی رابطه مثبت و معنادار دارد. زارع و ریگی (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «مطالعه تطبیقی عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی دانشجویان (با تأکید بر سبک زندگی و طبقه اجتماعی)» نشان دادند که سبک زندگی با هویت‌های جهانی، قومی، و مصرفی و رابطه طبقه اجتماعی با هویت‌های جهانی، ملی، و قومی رابطه دارد. از میان چهار منبع هویت‌ساز سنتی و مدرن‌ترین رابطه با هویت جهانی ناشی از دین‌داری در جهت منفی، با هویت ملی ناشی از نگرش به خانواده، با هویت قومی ناشی از نگرش به خانواده، و با هویت مصرفی ناشی از تأثیر سبک زندگی است. مصباحی مقدم و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «تعامل مطالبه‌گری اجتماعی و هویت ملی جامعه ایرانی در میان دانشجویان» نشان دادند که آموزش بهینه افراد جامعه، انتخاب شخصی در شرایط خاص، پذیرش واقعیت‌های اجتماعی، تحول خواهی مثبت، حفظ تمامیت ارضی کشور، زبان فارسی به عنوان عامل ارتباطی، ارزش نهادن به تمدن ایرانی، رجحان دموکراسی در سیاست، اعتماد به مسئولان کشور؛ توجه به مذاهب دیگر در کنار مذهب رسمی، رجحان انسانیت بر قومیت و درک فشار جامعه جهانی بر جوامع در حال توسعه، آگاهی نسبت به شرایط ژئوپولیتیک ایران و گزینه مهاجرت به‌عنوان زمینه‌های تأثیرگذار بر هویت ملی دانشجویان به حساب می‌آید. فرجی هارمی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی

رابطهٔ اینترنت و گرایش به هویت ملی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی شیراز» نشان داده‌اند که بین میزان استفاده از اینترنت، انگیزه و هدف، و مشارکت و فعال بودن دانشجویان در کاربرد این تکنولوژی ارتباطی رابطهٔ معنادار مثبت وجود دارد.

شیردل (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان «برساخت هویت قومی در دانشجویان دختر دانشگاه سیستان و بلوچستان» نشان می‌دهد هویت قومی دختران در بستر تعاملات خانوادگی، آموزشی، و مجازی به وجود می‌آید و می‌تواند پیامدهای مختلفی همچون پیوند عاطفی بین اقوام، ازهم گسیختگی اقوام، و احساس قوم‌گرایی داشته باشد. صدیقی ارفعی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «رابطهٔ سبک‌های هویت با جهت‌گیری مذهبی در دانشجویان» نشان دادند که سبک‌های هویت اطلاعاتی و هنجاری، به صورت مستقیم و سبک آشفته - اجتنابی به صورت معکوس، جهت‌گیری مذهبی درونی را پیش‌بینی معنادار می‌کند. سلگی و پیرخائف (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «سنجش وضعیت توزیع و ارتباط منزلت‌های هویت فردی و اجتماعی در میان دانشجویان دانشگاه‌های تهران» نشان دادند که هویت معوق، هویت اول دانشجویان دانشگاه‌های تهران است. قوی‌ترین پیش‌بینی‌کنندهٔ هویت اجتماعی دانشجویان هویت معوق است. دو متغیر هویت معوق و آشفته روی هم ۲۵/۴ درصد از واریانس هویت اجتماعی را پیش‌بینی کردند.

حسن‌زاده و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «واکاوی نقش هویت دینی در گرایش افراد به محافظه‌کاری سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه‌های اصفهان)» نشان دادند هویت دینی تأثیر معنی‌داری بر محافظه‌کاری اقتصادی نداشته است، اما با شدت بالایی بر محافظه‌کاری فرهنگی و با توان متوسطی بر محافظه‌کاری سیاسی تأثیر مثبتی گذاشته است. انصاری و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «مطالعه جامعه‌شناختی هویت مدرن و دینی دانشجویان (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه تهران)» نشان دادند بین هویت مدرن و دینی رابطهٔ معکوس وجود دارد و تمایل پسران به هویت مدرن بیش از دختران است. همچنین، یافته‌ها نشان داد که بین رشته‌های دانشکدهٔ فنی و رشته‌های دانشکدهٔ هنر در گرایش به ارزش‌های مدرن اختلاف معنی‌دار وجود دارد و دانشجویان فنی در مقایسه با دو گروه دیگر و دانشجویان علوم اجتماعی در مقایسه با دانشجویان هنر گرایش بیشتری به ارزش‌های مدرن دارند. نجف‌پور و تدین راد (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی تطبیقی اثرگذاری نهادهای

جامعه‌پذیرکننده بر فرهنگ سیاسی جوانان (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز) نشان دادند که «خانواده»، «گروه‌های هم‌سال»، و «دانشگاه» بیشتر آموزه‌های فرهنگ سیاسی «تبعی» را منتقل می‌کنند و «رسانه‌های ارتباط جمعی» و «نهادهای مذهبی» بیش از سایر نهادها آموزه‌های فرهنگ سیاسی «مشارکتی» را منتقل می‌کنند.

قربانی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «تجزیه و تحلیل دلایل تضاد میان فکر و رفتار سیاسی ایرانیان؛ بررسی موردی دانشجویان دانشگاه اصفهان» نشان دادند که شکل‌گیری نظام معنایی دانشجویان درباره پدیده تضاد بین فکر و رفتار سیاسی پیرامون تعدادی مقوله عمده و یک مقوله هسته به نام «بی‌اعتمادی سیاسی» است. محمدی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان طراحی چهارچوب شناخت هویت حرفه‌ای دانشجویان پزشکی براساس برنامه درسی پنهان نشان دادند که سه مقوله اصلی از جمله هویت مرتبط با فرایندهای حرفه‌ای، هویت مرتبط با پیامدهای حرفه‌ای، و هویت مرتبط با شایستگی‌های حرفه‌ای است. درباره اثرات نسلی بر هویت نیز پژوهش‌هایی انجام گرفته است. از جمله رحمانی و طیبی‌نیا (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «فرایند تحول هویت اجتماعی زنان در تجربه گفتمانی نهاد دانشگاه (مورد مطالعه: زنان متأهل، شاغل، و دانشجو)» نشان داده‌اند که پیامد تحصیلات عالی برای زنان هنگام انجام وظایف سنتی و خانه‌داری، کسب مهارت، و بینش‌های متفاوت از گذشته و نظام فکری و ارزشی نو و ترکیبی از نقش‌های سنتی و جدید است که منجر به برساخت هویتی تلفیق‌شده با خصلت فردگرایی خودمدار و بازاندیش در دو ساختار اولیه و ثانویه شده است که زمینه‌های تغییر سبک زندگی فردی و اجتماعی آن‌ها را از طریق استراتژی‌های بازنگری‌شده فراهم می‌کند و نتیجه می‌گیرند که دانش نقش محوری در کارگزاری تغییر دارد. سبزه‌ای و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان برداشت‌های نسلی از هویت نزد تحصیل‌کرده‌های کرمانشاه نشان دادند که برداشت‌ها و فهم‌های مشترک و متفاوتی از دو نسل تحصیل‌کرده، یعنی اساتید و دانشجویان، قابل طرح است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد از نظر هر دو نسل تحصیل‌کرده‌های کرمانشاه هویت مردم کرمانشاه از دو عنصر فردی و جمعی تشکیل شده است. درباره هویت فردی در دو نسل برداشت‌های مشترکی در مفاهیم «مهمان‌نوازی»، «شادزیستی»، «خون‌گرمی»، «ول‌خرجی»، «پرستیزطلبی»، «بی‌نظمی در کار» و برداشت‌های متفاوتی در مفاهیم «پهلوانی»، «تعلق به مکان»، «خشن‌بودن»، «تبلی» و

«راحت‌طلبی» مشاهده می‌شود. دربارهٔ «هویت جمعی» برداشت دو نسل این است که کرمانشاهی‌ها را می‌توان با خصلت‌های جمعی مشترک نظیر «تنوع فرهنگی»، «مناسک‌گرایی»، «قوم‌گرایی»، «هم‌گرایی»، «واگرایی» (غریبه‌پرستی)، «خرافه‌پرستی»، و «مردسالاری» شناخت، اما برداشت نسل جدید این است که «خرافه‌پرستی» فقط مختص کرمانشاه نیست و «مردسالاری» مربوط به گذشته بوده و در حال حاضر تضعیف شده است. بنابراین، با وجود تلاش‌های فراوان برای پاسخ به این پرسش که هویت دانشجویان در آموزش عالی چگونه است، ادارک و فهم استادان ایرانی پیشکسوت از تفاوت‌های هویت دانشجویی پس‌انقلاب، که منبعث از تغییرات نسلی، سیاسی، و فناورانه است، واکاوی نشده است. بنابراین، پژوهش حاضر قصد دارد هویت دانشجویی پس‌انقلاب را با رویکردی کل‌نگرانه و با روش نظریهٔ داده‌بنیاد مطالعه کند و عوامل اثرگذار و پیامدهای برآمده از این هویت روشن شود.

### ۳. روش پژوهش

رویکرد پژوهش حاضر کیفی و استراتژی استفاده‌شده نظریهٔ داده‌بنیاد بود. مشارکت‌کنندگان پژوهش صاحب‌نظران نظام آموزش عالی ایران بودند. به‌منظور انتخاب مشارکت‌کنندگان در این بخش با توجه به اهمیت موضوع پژوهش تلاش کردیم طیفی از آگاهان کلیدی در حوزهٔ موضوع پژوهش را انتخاب کنیم که اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌های ایران هستند و تجربهٔ دانشجویی در دورهٔ قبل از انقلاب و یا سال‌های آغازین انقلاب را داشته‌اند و هم‌اکنون به‌عنوان هیئت‌علمی با دانشجویان امروزی سروکار دارند و با هویت دانشجویان کنونی آشنایی کافی دارند. دلیل انتخاب، این بود که به‌عقیدهٔ محقق، این گروه اطلاعات زیادی دربارهٔ موضوع پژوهش دارند که در جامعهٔ دیگری نمی‌توان این اطلاعات را جست‌وجو کرد. روش نمونه‌گیری پژوهش نیز به‌صورت هدفمند و از نوع موارد مطلوب بود.

در این پژوهش ابتدا سعی شده تا از میان اساتید در حوزهٔ علوم انسانی با سه ویژگی انتخاب شود. این سه ویژگی عبارت‌اند از ۱. تجربهٔ دانشجویی در دورهٔ قبل از انقلاب یا سال‌های آغازین انقلاب را داشته باشند. ۲. هم‌اکنون هیئت‌علمی دانشگاه‌های ایران باشند و مستقیماً با دانشجویان کنونی ارتباط داشته باشد. و ۳. در حوزهٔ علوم انسانی باشند که درگیری بیشتری را با فضای فکری در حوزهٔ هویتی داشته باشند. این سه ویژگی شکل‌دهندهٔ انتخاب

مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر بود که پس از مصاحبه با هرکدام مصاحبه‌ها پیاده و تحلیل‌ها انجام شد. پس از مصاحبه با ۱۲ نفر از اساتید در این حوزه، داده‌ها به اشباع نظری رسید. ابزار پژوهش حاضر برای جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود. در مصاحبه‌ها سعی شد روایت اساتید از خودشان، به‌عنوان دانشجو در دوره قبل از انقلاب یا آغاز انقلاب، بازخوانی و فرایند شکل‌گیری هویت حرفه‌ای آن‌ها در دوره دانشجویی براساس تجربیاتشان در زندگی روزمره مشخص شود. سپس از آن‌ها به‌عنوان متخصصانی که مستقیماً با هویت دانشجویان کنونی آشنایی دارند مقولات مربوط به هویت کنونی دانشجویان استخراج شود. مشخصات مشارکت‌کنندگان در پژوهش در قالب جدول ۱ ارائه شده است. مصاحبه‌ها با استفاده از ضبط صوت، ثبت شده و سپس به‌صورت جزء‌به‌جزء پیاده شدند. حداقل زمان طول مصاحبه ۴۵ دقیقه و حداکثر ۱:۳۰ ساعت بود. در تحلیل داده‌ها، اطلاعات حاصل از مصاحبه با تکنیک تحلیل محتوا در سه مرحله کدگذاری باز، محوری، و انتخابی انجام و تحلیل شد و نهایتاً مدل تحقیق برپایه این داده‌ها ارائه شد. همچنین، به‌منظور اعتبار داده‌ها از دو تکنیک بازبینی توسط اعضا و بررسی همکار استفاده شد.

جدول ۱. ویژگی‌های زمینه‌ای مشارکت‌کنندگان در پژوهش

ردیف	جنسیت	مرتبه علمی	حوزه مطالعاتی	دانشگاه
۱	مرد	استاد	علوم سیاسی	مازندران
۲	مرد	استاد	علوم تربیتی	مازندران
۳	زن	استاد	اقتصاد	مازندران
۴	مرد	استاد	اقتصاد	اصفهان
۵	زن	دانشیار	جامعه‌شناسی	اصفهان
۶	مرد	استاد	علوم سیاسی	تربیت مدرس
۷	مرد	استاد	جامعه‌شناسی	تهران
۸	مرد	استاد	جامعه‌شناسی	تهران
۹	زن	استاد	روان‌شناسی	تهران
۱۰	مرد	استادیار	جامعه‌شناسی	شهید بهشتی
۱۱	زن	استاد	مطالعات زنان	شیراز
۱۲	مرد	دانشیار	جامعه‌شناسی	شیراز

#### ۴. یافته‌ها

داده‌ها از طریق برخی پرسش‌ها به دست آمد که عبارت‌اند از: پدیدهٔ هویت دانشجویی چیست؛ عوامل مداخله‌گر، علی، و زمینه‌ساز شکل‌گیری هویت دانشجویی در دانشجویان پس از انقلاب اسلامی کدام‌اند؛ استراتژی‌هایی که برای تغییر و بهبود هویت دانشجویی معاصر مطرح است کدام‌اند؛ پیامدهای هویت دانشجویی معاصر کدام‌اند. سپس، نتایج حاصل از تحلیل محتوای داده‌های مصاحبه در قالب نظریه زمینه‌ای ارائه شد (جدول ۲).

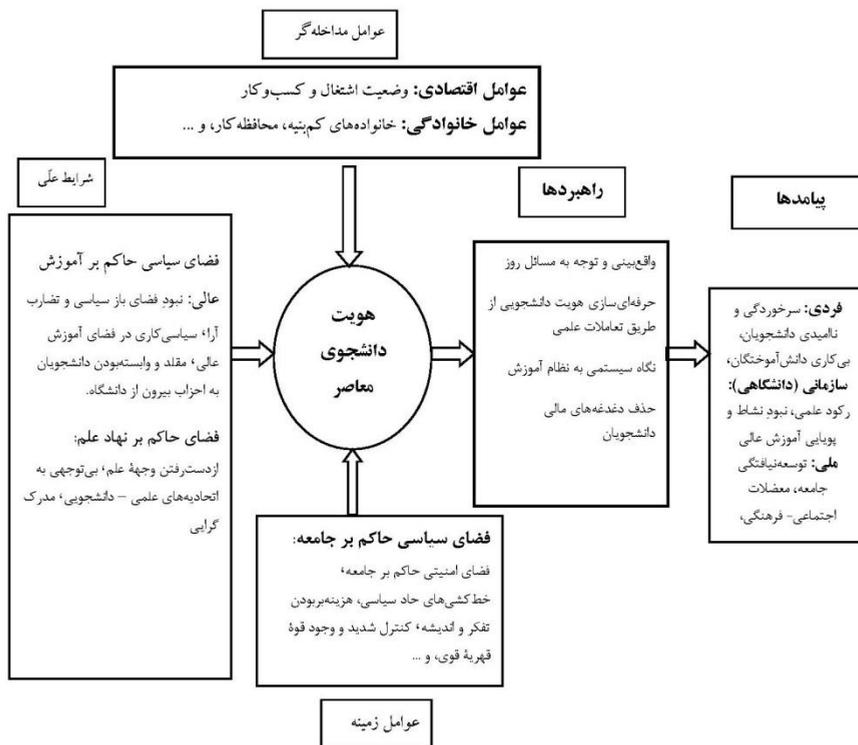
جدول ۲. نتایج تحلیل محتوای مصاحبه‌ها با استفاده از کدگذاری باز، محوری، و انتخابی

کد انتخابی	کد محوری	کد باز
برون‌رکن‌ها	فضای سیاسی حاکم بر آموزش عالی	مقلد و وابسته‌بودن دانشجویان به احزاب بیرون از دانشگاه
		سیاسی‌کاری در فضای آموزش عالی
		توجه‌نکردن به آزادی اندیشه
	فضای حاکم بر نهاد علم	از دست رفتن وجههٔ علم
		بی‌توجهی به اتحادیه‌های علمی - دانشجویی
		توده‌ای شدن آموزش عالی مدرک‌گرایی
عوامل مداخله‌گر	عوامل خانوادگی	خانواده‌های کم‌بینه و سردرگم
		والدین محافظه‌کار
		کاهش تعاملات رو در رو در خانواده
	عوامل اقتصادی و بازار کار	دورنمای نامناسب اشتغال
		مشغول‌نشدن فارغ‌التحصیلان تحصیلات تکمیلی در بازار کار
		دست برداشتن از آرمان‌ها به منظور دستیابی به شغل
عوامل زمینه‌ای	فضای سیاسی حاکم بر جامعه	فضای امنیتی حاکم بر جامعه
		خط‌کشی‌های حاد سیاسی
		هزینه‌بر بودن تفکر و اندیشه
		نبود آزادی فکر و اندیشه
		کنترل شدید و وجود قوهٔ قهریهٔ قوی
دانشجویی (هویت‌ز)	بعد فردی	بی‌انگیزگی و بی‌رغبتی
		واقع‌گرایی

کد انتخابی	کد محوری	کد باز	
		کم‌توجهی به آرمان‌ها	
		رفاه‌طلبی	
		منفعت‌طلبی	
		لذت‌گرایی	
	بعد اجتماعی		جمع‌گریزی
			مجازی‌شدگی تعاملات
			فردگرایی
			مسئولیت‌ناپذیری اجتماعی
	بعد دینی		کثرت‌گرایی دینی
			اهمیت‌یافتن مفروضات گفتمان اومانیستی
	بعد سیاسی		نبود استقلال سیاسی
			استثمار سیاسی
محافظه‌کاری			
نقادی نرم			
نبود کنش‌گری			
بی‌تفاوتی سیاسی			
بعد حرفه‌ای / علمی		توده‌ای شدن آموزش	
		مدرک‌گرایی	
		اهمیت‌یافتن آثار غیراقتصادی دانش	
		کم‌اهمیت شدن جنبه‌های حرفه‌گرایانه دانش	
استراتیژی‌ها	واقع‌بینی و توجه به مسائل روز	شنیدن صدای دانشجویان	
		نبود سخت‌گیری‌های غیرضروری فرهنگی	
		مواجهه با چالش‌ها به‌سبک امروزی	
		پذیرش تحولات فرهنگی	
حرفه‌ای‌سازی هویت دانشجویی از طریق تعاملات علمی	نگاه سیستمی به نظام	شرکت دانشجویان و اساتید در کنفرانس‌های خارجی	
		تعامل میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی با دانشگاه‌های خارجی	
		آشنایی دانشجویان با سرفصل‌ها و شیوه‌های آموزشی دانشگاه‌های معتبر	
		توجه به اصلاحات درون آموزش عالی با در نظر گرفتن و اقدام برای	

کد انتخابی	کد محوری	کد باز	
مدیرها	آموزشی	اصلاحات بیرون آموزش عالی	
		توجه به هویت دانشجو در کنار توجه به هویت‌های دیگر آموزش عالی مثل اعضای هیئت علمی، برنامهٔ درسی فضای آموزش عالی	
		یک‌پارچه‌دیدن سیستم آموزش (قبل از دانشگاه و دانشگاه)	
	حذف دغدغه‌های مالی دانشجویان	مالی	تأمین بخشی از دغدغه‌های مالی دانشجویان توسط دولت
			گزینش و استخدام فارغ‌التحصیلان از طریق شایستگی و نه عقیده
			سیاست‌های بورس دانشجویان
	فردی	فردی	سرخوردگی و ناامیدی دانشجویان
			تعلق‌خاطر نداشتن به آموزش عالی
			بی‌کاری دانش‌آموختگان
			بی‌تفاوتی اجتماعی
			دست کشیدن از آرمان‌خواهی
	سازمانی (دانشگاهی)	سازمانی (دانشگاهی)	رکود علمی
نبودن نشاط و پویایی آموزش عالی			
نبودن تعاملات دانشگاهی			
برون‌دادهای ضعیف			
ملی	ملی	توسعه‌نیافتگی جامعه	
		نبودن پویایی سیستم‌های اقتصادی	
		معضلات اجتماعی - فرهنگی	

در نهایت، پس از اجرای تکنیک تحلیل محتوا در نظریهٔ داده‌بنیاد مدل پارادایم پژوهش تدوین شد. شکل ۱ مدل پارادایم پژوهش را نشان می‌دهد.



### پدیده (هویت دانشجویی پس از انقلاب)

درواقع، محور اصلی تمام بحث بر تبیین مفهوم پدیده رقم می‌خورد. در این زمینه، پدیده اصلی در پژوهش حاضر هویت دانشجویی در دوران معاصر است، چون اصلی‌ترین سؤال پژوهش حاضر این بود که دانشجویان کنونی چه هویتی دارند؟ واکاوی روایت‌ها و ادراکات اساتید این تصویر را برجسته می‌کند که هویت دانشجویان ایرانی معاصر در ابعاد فردی، اجتماعی، سیاسی، علمی - حرفه‌ای، و دینی متمایز است. در ادامه، ابعاد هویتی به دست آمده از داده‌های پژوهش ارائه می‌شود.

### هویت فردی

از نگاه مشارکت‌کنندگان، دانشجویان امروز در بُعد فردی ویژگی‌هایی دارند همچون بی‌انگیزگی، بی‌رغبتی، واقع‌گرایی، کم‌توجهی به آرمانها، رفاه‌طلبی، منفعت‌طلبی و لذت‌گرایی

هستند. به‌عنوان نمونه، یکی از اساتید می‌گوید: «یکی از ویژگی‌های دانشجویان کنونی بی‌انگیزگی، بی‌رغبتی، بی‌میلی، و ناامیدی است. دانشجویان کمتر به‌دنبال تحصیل و یادگیری هستند. آن‌ها بیشتر به‌دنبال گذران زندگی و اتلاف وقت هستند و کمتر برایشان پیشرفت در حوزه‌های تحصیلی مهم است». استاد دیگری می‌گوید: «مهم‌ترین وجه تمایز [دانشجویان کنونی با دانشجویان سابق] انگیزه‌های تحصیلی است... دانشجویانی که من با آن‌ها سروکار دارم و با آن‌ها برخورد می‌کنم انگیزهٔ چندانی برای تحصیل و یادگیری ندارند...».

همچنین در روایت تعدادی از استادان یکی دیگر از ویژگی‌های دانشجویان کنونی، نگاه واقع‌گرا و دست‌کشیدن از آرمان‌ها است. در این زمینه، یکی از اساتید می‌گوید: «به‌نظر می‌رسد در دانشجویان کنونی آرمان‌خواهی جای خود را به رفاه‌طلبی همراه با نوعی واقع‌گرایی به زندگی داده است». یکی از اساتید دیگر می‌گوید: «نسبت به دوره‌های قبل دانشجویان این دهه به‌نوعی رفاه‌طلب هستند، از آرمان‌خواهی تنزل پیدا کردن و رفاه شخصی مدنظر هست و کمتر به منفعت جمعی توجه دارن و جنبهٔ مذهبی یا رسالتی که دارن رو به فراموشی سپردن». یکی از اساتید دیگر می‌گوید: «در بُعد تربیتی، دانشجوی امروز ما مصرف‌زده شده، دنیاطلبی و حفظ منافع شخصی و ویژگی بارزشون شده، درحالی‌که در گذشته دانشجویان از منافع فردی به‌خاطر جمعی می‌گذشتن. به‌نوعی شاید این ویژگی امروز ما هست که از حالت آرمانی گذشتن و به رفاه طلبی افتادن». بنابراین همان‌گونه‌که مشاهده می‌شود در بُعد فردی دانشجویان کنونی دارای ویژگی‌هایی همچون بی‌انگیزگی، بی‌رغبتی، واقع‌گرایی، کم‌توجهی به آرمان‌ها، رفاه‌طلبی، منفعت‌طلبی، و لذت‌گرایی هستند.

### بعد سیاسی

در بعد سیاسی، برداشت غالب این بود که دانشجویان کنونی ویژگی‌هایی دارند، همچون محافظه‌کاری، استثمارشده، نداشتن استقلال سیاسی، و بی‌تفاوتی سیاسی. به‌عنوان مثال، دربارهٔ استثمارشدن دانشجو و نداشتن استقلال سیاسی، یکی از اساتید می‌گوید: «دانشجویان الان از جانب گروه‌های سیاسی مورد بهره‌کشی قرار می‌گیرن و بعضی‌ها از طریق همین سیستم میرن ارشد می‌خونن، میان استاد می‌شن... ما نمونه‌های این‌چنینی داریم». یکی از اساتید دیگر می‌گوید: «خیلی وقت‌ها من نگاه می‌کنم، دانشجویایی که ما داریم این‌جا اهل سیاسی‌کاری‌ان.

از یک گروه خاصی اومدن و مقلد یک گروه خاص هستن. این‌جا هویت دانشگاه در فکرش، آزادی عمل، آزادی فکرش هست. بعد از انقلاب پولی برای پژوهش می‌آد برای استاد و استادا دانشجویها رو مورد بهره‌کشی قرار می‌دن. مثلاً [نام یک تشکل سیاسی]... استادی حرف می‌زنه می‌رن ضبط می‌کنن، چاپ می‌کنن می‌فروشن، [نام یک تشکل سیاسی]... این بهره‌کشی پنهان هست و کار ایدئولوژیک هست نه آکادمیک». یکی از اساتید دیگر در همین زمینه می‌گوید: «خیلی جالبه وقت انتخابات که می‌شه احزاب رو میاریم دانشگاه، بعد دانشجوی بدبخت به حرفی می‌زنه بعد همین دانشجو رو محکوم می‌کنیم که چرا این حرفو زده. آقا چرا تعطیل نمی‌کنیم ورودی‌های دانشگاه رو چرا جرأت نداریم، من مخالف ورود احزاب به دانشگاه هستم، دعوت می‌کنیم بدبخت طرف‌دار یک نفر می‌شه بعد متهمشون می‌کنیم، ما دعوت کردیم بعد دانشجو می‌آد منتقد هست».

در روایت تعدادی از استادان یکی دیگر از ویژگی‌های هویتی دانشجویان کنونی در بعد هویت سیاسی، محافظه‌کاری و یا نقادی نرم است. به‌عنوان نمونه، یکی از اساتید می‌گوید: «در ۱۸ تیر ۱۳۷۸ و ۱۳۸۸ که جریان دانشجویی بود هر دو مسئله اساسی شون ضدیت با کلیت نظام نیس؛ اصلاً نیس؛ دغدغه‌هاشون تغییر و اصلاح وضعیت و... است، اما قبل انقلاب این رو طلب نمی‌کرد چون با ایدئولوژی همراه بود. امروز حاضر هست گول بخوره و اغفال کنن اگر منافع فردیشون حل بشه مثل فلان تشکل [نام یک تشکل سیاسی] اگر منافعشون تأمین بشه هر کاری بخوان می‌کنن». یا یکی از اساتید می‌گوید: «[به‌جز به اقلیت خاص] بقیه کاری ندارن به مسائل سیاسی، شاید در فضای مجازی باشه... دانشجوی الان [این‌گونه نیست که] بیاد سینه سپر کنه، دیگه حاضر به اون ریسک‌ها نیس که هم برای خودش و منافع آینده‌اش خطرات به‌همراه داره...». یکی از اساتید دیگر می‌گوید: «دانشجوی بعد از انقلاب هدفش مسخره‌کردن، نقد توأم با بی‌اعتنایی و کم‌اهمیت‌شمردن هست. درواقع منتقد خودشو جدی نمی‌گیره. ... یواش می‌آد یواش می‌ره... کاری به مسائل سیاسی نداره». بنابراین همان‌گونه‌که مشاهده شد، از ویژگی‌های هویت سیاسی دانشجویان در دوره معاصر را می‌توان بی‌تفاوتی سیاسی، محافظه‌کاری، استمارشدگی، و استقلال‌نداشتن دانست.

## هویت اجتماعی

از نگاه مشارکت‌کنندگان، ویژگی‌های هویتی دانشجویان کنونی در بعد اجتماعی را می‌توان جمع‌گریزی، مجازی‌شدن تعاملات، و فردگرایی دانست. به‌عنوان مثال، یکی از اساتید می‌گوید: «روح فردگرایی در دانشجویان به‌شدت تقویت شده است. تعاملات و پیوندهای عاطفی چهره‌به‌چهره‌ای که در آن دوران بوده الان اثری ازشان نیست. حتی در محیط‌های خوابگاهی هم این تفرد وجه غالب شده و فقدان دورنمایی روشن اشتغال هم موجب شده تا دانشجو چسبندگی قابل توجهی به درس و آموختن نداشته باشد. این باعث شده تا نوع روابط دانشجو و استاد هم تحت‌الشعاع قرار بگیرد». یکی از اساتید دیگر دربارهٔ مجازی‌شدن تعاملات می‌گوید: «الان فضای شبکه‌ای و دیجیتالی‌شدن باعث شده روابط رو در روی افراد از طریق شبکه‌های اجتماعی دنبال شود و درواقع آن گروه‌ها و تعاملات [در دورهٔ قبل] سطحش [با دانشجویان دورهٔ کنونی] متفاوت شده است. ولی در آن زمان فضای تعاملات مناسبی بین ما حکم‌فرما بود». یکی دیگر از اساتید می‌گوید: «... این‌ها [دانشجویان کنونی] هیچ رابطه و تعاملی با اساتید ندارند. احساس من این است که روابط اجتماعی به‌شدت افت کرده، هم با هم‌کلاسی، هم اساتید و هم خانواده؛ انگار افراد خیلی مایل هستند در تنهایی و خلوت خودشان زندگی کنند. من گاهی در این شبکه‌های مجازی می‌بینم که پیامی از ۲ بامداد برای من ارسال می‌شود و دانشجویانی که ۴ صبح در این شبکه‌ها فعال هستند. این مفهومی این است که این‌ها حوصله نمی‌کنند خیلی با اعضای خانواده تعاملات داشته باشند. جامعه به لحاظ روحی و روانی یک جامعه کاملاً متفرد و هسته‌ای شده...». یکی دیگر از اساتید می‌گوید: «دانشجوهای کنونی یک نوع مسئولیت‌ناپذیری اجتماعی دارند، درحالی‌که دانشجویان قبل از انقلاب و اوایل انقلاب تمایل جمع‌گرایی بیشتری داشتند، حالا جمع‌گرایی به‌معنای گروه سیاسی، گروه اجتماعی، گروه دوستی، خانوادگی، توی دانشجویان بعد از انقلاب و دانشجوهای کنونی یه فردگرایی شدیدی شکل گرفته و به همین دلیل جریان‌های دانشجویی بعد از انقلاب خیلی شکننده هستند». بنابراین، می‌توان گفت از بعد هویت اجتماعی، دانشجویان به‌دنبال فضاهای فردی بوده و فردگرایی غالب شده است.

## هویت علمی و حرفه‌ای

در بعد هویت حرفه‌ای، برداشت غالب این بود که ویژگی‌های دانشجویان کنونی را می‌توان در درون‌دادهای ضعیف، مدرک‌گرا، و توجه به جنبه‌های غیربازاری دانش دید. در همین زمینه، یکی از اساتید می‌گوید: «عمدتاً کسانی که هوش و استعداد داشتن اون موقع، کسانی می‌اومدن که شارپ [باهوش] بودن و افراد بااستعدادی بودن و با گزینش‌های خاص می‌اومدن، خب این به ویژگی مهم بود». یکی از اساتید دیگر نیز در همین زمینه می‌گوید: «تعداد دانشجویان خیلی کم بودند. پذیرش دانشجو بسیار کم بود. تعداد کل دانشجویان سراسر کشور از ۲۰۰ هزار نفر عبور نمی‌کرد. دانشجویان در کلاس کم بودند و اساتید به تعداد زیاد بودند. فضای درسی و علمی حکم‌فرما بود. فضا به‌گونه‌ای بود همه دانشجویان از رشته‌های مختلف می‌توانستند همدیگر را ببینند». یکی از اساتید دیگر می‌گوید: «قبولی در دانشگاه یک امتیاز ویژه به‌شمار می‌رفت و کسی که قبول می‌شد خیلی مورد توجه بود. دانشجو با دانش‌آموز خیلی فرق می‌کرد. دانشجو یک هویت خاصی ایجاد می‌کرد. کسی که می‌گفت من دانشجو هستم انگار یک هویت ویژه اجتماعی نصیبش شده است. هویت دانشجویی را ما آن زمان احساس می‌کردیم. کل علوم انسانی من یادم است ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ تا بودند. محدودیت کمی در آموزش عالی یک امتیاز ویژه‌ای به شکل‌گیری هویت دانشجویی می‌داد». یکی از اساتید دیگر می‌گوید: «الان همه می‌توانند وارد دانشگاه شوند. وقتی الان همه می‌توانند وارد دانشگاه شوند بالاخره آن تأکیدات دیگر نیست. کیفیت آموزش در کل پایین آمده. دسترسی به آموزش عالی راحت‌تر شده و مدارک بالاتر رفته ولی سطح کیفیت پایین آمده».

یکی دیگر از ویژگی‌های دانشجوی کنونی در بعد هویت علمی در روایت تعدادی از استادان این است که دانشجوی کنونی مدرک‌گرا است. به‌عنوان مثال یکی از اساتید می‌گوید: «براساس شکل ظاهر دانشجویی که وارد می‌شود، می‌شه فهمید [که به دنبال چی هست]، دانشجویی که ما امروز داریم اصلاً کتاب نداره، بدون کتاب بدون قلم، حتی تیپ و لباسش به دانشجو نمی‌خوره. ما اون هویتی که برای دانشجو داشتیم الان مثل قبل نداریم. الان بیشتر بچه‌ها دنبال نمره هستن، دنبال مدرک هستن و به‌جوری شده بعضی‌ها از بد حادثه این‌جا اومدن». یکی دیگر از اساتید می‌گوید: «فقط گذران وقت و نمره گرفتن به هر نوعی که هست [برای آن‌ها اهمیت دارد]، درحالی‌که در گذشته دانشجو خودشو مدیون دانشگاه و مردم

می‌دونست که این فرصت برایش فراهم شده که درس بخونه و تلاش مضاعفی می‌کنه اما امروزه دانشجوی به‌دنبال فارغ‌التحصیل شدن هست. درمقابل، دانشجوی امروزی اصلاً در این فضای علمی سیر نمی‌کنه». یکی از اساتید دیگر می‌گوید: «یک پدیدهٔ جالب الان ما می‌بینیم. قبلاً ترک و فرار از مدرسه ما داشتیم، الان دانشجویان فرصت‌های اشتغال چون فراهم نیست، دانشجویان خیلی دوست ندارند دچار دردرس شوند؛ می‌آیند دانشگاه مدارک می‌خواهند بگیرند ولی خیلی دوست ندارند اذیت شوند برای گرفتن مدرک؛ این در کشور ما این پدیده جالب است که انگیزه به درس خواندن در دانشجویان پایین آمد. همه میل به فوق لیسانس و دکترا دارند، یک جور مدرک‌گرایی حاکم شده است که نیاز به بررسی داره». بنابراین، برخلاف فضای حاکم بر دانشجویان دورهٔ قبل و آغاز انقلاب که به‌دنبال علم بودند و حداکثر تلاش را برای کسب آن داشتند؛ دانشجویان امروزی به‌دنبال کسب مدرک هستند.

از نگاه مشارکت‌کنندگان یکی دیگر از ویژگی‌های دانشجویان در بعد هویت حرفه‌ای را می‌توان نگاه غیربازاری به دانش در دانشجویان اخیر دانست. به‌عنوان نمونه، یکی از اساتید می‌گوید: «نگاه کنی الان هر که بخواد ازدواج کنه حداقل باید به مدرک لیسانس داشته باشه یا طرف می‌گه من باید فوق‌لیسانس داشته باشم تا بتونم به خانم لیسانسه بگیرم؛ به قسمت در مردم یک نوع تقاضایی به‌وجود اومده که بعد از انقلاب رفته بالا از به بابت خب بدم نیس ولی دولت باید کنترل بکنه». یکی از اساتید دیگر در این زمینه می‌گوید: «زندگی دانشجویی امروزی برای لذت‌بردن هست بهره‌بردن از زندگی، میل به موسیقی بحث‌های فرهنگی و...». یکی دیگر از اساتید می‌گوید: «آن موقع دانشجو شدن هدفمند بوده اما الان تبدیل به یک مد شده است. ورود به جامعهٔ بزرگ‌سالی، ورود به مشاغل، دستیابی به شغل مناسب، آن وقت‌ها ما حس می‌کردیم [که تحصیل برای این‌ها هست]. کسی که وارد دانشگاه می‌شد هم ورود به جامعهٔ بزرگ‌تر را تجربه می‌کرد؛ جامعه‌پذیری رخ می‌داد. الان مد شده، یک عادت و تکرار شده، که از دیپلم بروی دانشگاه مدرک بگیریم و سیستم پذیرش دانشجو خیلی متفاوت شده». یکی دیگر از اساتید می‌گوید: «گسترش بدون حد آموزش عالی باعث شده دانشجویان تب‌وتاب تحصیل که در ابتدا به‌دلیل محدودیت بود برداشته بشه و دولت که استخدام‌کننده هست و فعلاً [که استخدامی] در کار نیس... دانشجو به‌دنبال منفعت اجتماعی هست؛ ازدواج یا پرستیژ اجتماعی». بنابراین،

برخلاف دانشجویان دوره انقلاب که دانش را برای ورود به کسب‌وکار و حرفه در نظر می‌گرفتند، دانشجویان کنونی عمدتاً دانش را برای فواید غیربازاری آن نگاه می‌کنند.

### هویت دینی

در روایت تعدادی از استادان یکی دیگر از ابعاد هویتی دانشجویان کنونی بعد هویت دینی است. دانشجوی کنونی کمتر به همه ارزش‌های یک دین پایبند است و مذهب را به‌عنوان یک موضوع متکثر می‌بیند. همچنین، جنبه‌ها و مفروضات گفتمان اومانیستی را بیشتر مورد توجه قرار می‌دهد تا باورهای دینی مشخص. در همین زمینه، یکی از اساتید به این امر اشاره می‌کند که دانشجویان با انگاره‌های سیاسی و مذهبی مشخص وارد دانشگاه می‌شوند. وی می‌گوید: «در قدیم از لحاظ ساختار اساتید، دانشجویی، حتی کارمندی، می‌شه گفت جهت‌دار و تمایز یافته بود. یه عده کمونیست و مارکسیست، یه عده ناسیونالیست بودن، گروهی هم مذهبی؛ دانشجویها هم به همین ترتیب بودن. بچه‌هایی که چپ بودن یه عده مذهبی و یه بچه‌هایی هم ملی بودن». در حالی که به‌نظر می‌رسد عمده دانشجویان کنونی از بعد هویت دینی به یک نوع کثرت‌گرایی دینی و توجه به انسانیت رسیده‌اند. در همین زمینه یکی از اساتید دیگر می‌گوید: «الان به جهانی شدن نزدیک شدن، از فرقه‌ای جدا شدن و به این رسیدن که محور انسان است و حقوق انسان؛ تا مسائلی که در فرقه‌های مذهبی به‌عنوان انگاره تعریف شده، اما قبلاً اون انگاره‌ها مبنا بود اما الان نه، پایبندی به حقوق انسانی به‌معنای عام کلمه». بنابراین، ویژگی دانشجویان کنونی در بعد هویت دینی این است که به‌نوعی به تکثرگرایی دینی تمایل دارند.

به‌هرروی، ادراکات یا برداشت‌های ارائه‌شده در همه روایت‌ها یکسان نبوده است و برخی مشارکت‌کنندگان به تفاوت‌های بین دانشگاه‌ها/رشته‌ها/نسل‌های دانشجویی اشاره کرده‌اند. بنابراین، هرچند در روایت غالب، تغییرات هویت دانشجویی با رنگ‌وبوی انتقادی توصیف شد؛ اما، همه مشارکت‌کنندگان برداشت یکسانی نداشتند. برخی بر پدید آمدن شکل‌های تازه‌ای از عاملیت دانشجویی، حرفه‌ای‌گرایی، یا شیوه‌های جدید مشارکت (در قالب‌های متفاوت از گذشته) تأکید کردند. بنابراین، یافته‌ها بیش از آنکه داوری درباره «ذات دانشجویان» باشد، بیانگر تنوع برداشت استادان از تغییرات زمینه‌ای آموزش عالی است.

تحلیل روایت‌های مشارکت‌کنندگان نشان داد که دگرگونی‌های هویت دانشجویی در آموزش عالی ایران را نمی‌توان صرفاً در سطح ویژگی‌ها یا کنش‌های فردی دانشجویان تبیین کرد. از دیدگاه استادان پیشکسوت، این دگرگونی‌ها در بستر شبکه‌ای از شرایط ساختاری، نهادی، و زمینه‌ای شکل می‌گیرند که به صورت هم‌زمان بر معانی، انتظارات، و شیوه‌های کنش دانشجویان اثر می‌گذارند. بر این اساس، در مدل برساختهٔ پژوهش، مجموعه‌ای از عوامل به‌عنوان شرایط علی شناسایی شد که آغازگر و جهت‌دهندهٔ این تحولات‌اند؛ در کنار آن، برخی شرایط زمینه‌ای و شرایط مداخله‌گر نقش تقویت‌کننده، تعدیل‌کننده، یا جهت‌بخش به این فرایندها ایفا می‌کنند. در تعامل این شرایط، راهبردها و کنش‌هایی در سطح فردی و نهادی شکل می‌گیرد که در نهایت به پیامدهایی در سطوح فردی، دانشگاهی، و اجتماعی منجر می‌شود. در ادامه، این ابعاد و روابط میان آن‌ها براساس داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها تشریح می‌شود.

### شرایط علی

موجبات علی شامل عواملی است که مستقیماً بر پدیدهٔ اصلی (هویت دانشجویی) اثر می‌گذارند. به‌سختی دیگر، به وقایع، دلایل و متغیرهایی که وقوع یا گسترش پدیده را پیش‌بینی می‌کنند شرایط علی می‌گویند. این شرایط را مجموعه‌ای از عوامل به‌همراه ویژگی‌هایشان تشکیل می‌دهند. همان‌گونه که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود، از دیدگاه صاحب‌نظران دو عامل اساسی نقش به‌سزایی در شکل‌گیری هویت دانشجویی معاصر در نظام آموزش عالی ایران ایفا می‌کنند. در ادامه، به تفکیک پیرامون هریک از کدهای استخراج‌شده توضیحاتی ارائه شده است.

### فضای سیاسی حاکم بر آموزش عالی

یکی از عواملی که مستقیماً بر هویت دانشجویی تأثیر دارد، فضای سیاسی حاکم بر آموزش عالی است. ویژگی‌هایی همچون تقلدبودن دانشجویان، سیاسی‌کاری در فضای آموزش عالی، توجه‌نکردن به آزادی اندیشه، و نادیده‌گرفتن کرسی‌های آزاداندیشی از ویژگی‌های حاکم بر آموزش عالی کنونی است. در این زمینه، یکی از اساتید می‌گوید: «الان درهای دانشگاه را باز کردیم، همه اوامدن خیلی وقت‌ها من نگاه می‌کنم دانشجویهایی که ما داریم این‌جا اهل

سیاسی‌کاری‌ان. از یه گروه خاصی اومدن و مقلد یه گروه خاص هستن». یا یکی از اساتید دیگر می‌گوید: «اون چیز که در دانشگاه هویتش رو می‌سازه، تولید علم و دانش هست، تولید علم و دانش بدون آزادی فکر، بدون آزادی اندیشه و بدون کرسی‌های نظریه‌پردازی معنی نداره. کرسی نظریه‌پردازی ... حالا کی جرأت داره مگه کسی می‌تونه صحبت کنه. در جرج واشنگتن از اسلام استقبال می‌کنن یا مکتب فرانکفوت می‌رن دانشگاه‌های آمریکا، هابرماس یا امثال اون، اونجا کرسی دارن. دارن صحبت می‌کنن یا وقتی شما می‌بینین ... روان شناس یهودی مخالف سیاست‌های آمریکاست اما در دانشگاه‌ها راحت صحبت می‌کنه، با همه تلویزیون‌ها، حتی با تلویزیون ایران و جاهای دیگه».

### فضای حاکم بر نهاد علم

یکی از عوامل علی دیگری که بر هویت دانشجویی اثر به‌سزایی دارد، فضای حاکم بر علم و فضای آکادمیک است. در این زمینه یکی از اساتید می‌گوید: «انجمن علمی پررونق نیستند چون اساساً علم و جهه‌اش را از دست داده، فعالیت‌های فرهنگی هم که قطبی شده و متأثر از فضای سیاسی است و یا فضای حکومتی و شبه‌حکومتی مثل ... [ذکر نام یک تشکل] یا برخی گروه‌هایی که دانشجویان علایقی مذهبی دارند این‌ها در کانون‌های عترت و قرآن و این‌ها فعالیت دارند. انجمن نسبت به سال‌های گذشته که دانشجویان می‌آمدند نشریه منتشر می‌کردند، گردهمایی و نشست می‌گذاشتند، مناظره برگزار می‌کردند، مثل دهه ۷۰ و ۸۰، کلاً این فضای علمی راکد است ... بخشی از آن فضا به فضای منفی سیاسی حاکم بر دانشگاه‌ها مربوط است که در واقع علائق را بر نمی‌انگیزاند و فقط جریان‌ات خاصی می‌توانند فعالیت داشته باشند».

یکی از اساتید دیگر در زمینه نقش محیط‌های ضمنی دانشگاه بر هویت دانشجویی می‌گوید: «ما وقتی به کشورهای دیگر می‌رویم، [آن‌ها] اتحادیه دانشجویان دارند که با مدیریت دانشگاه و اساتید ارتباط دارد، برنامه‌های سفر و بقیه چیزها دارد و حتی این اتحادیه دانشجویی، بوفه دارد که وسایلیش ارزان‌تر است. بچه‌ها با هم می‌نشینند اما ما هیچی نداریم. این اتحادیه‌های دانشجویی خیلی قدرتمند هستند. در دانشگاه آلمان که من رفتم و انگلستان؛ این‌ها خیلی مؤثر است. دانشجویی که از خانواده دور است و افسرده است این اتحادیه خیلی برایشان جالب است، بچه‌ها دیر به دیر می‌رفتند خانه‌هایشان. بچه‌ها دانشگاه را دوست داشتند. حتی برای

اتحادیه موسیقی داشتند. ما همهٔ راه‌ها را می‌خواهیم ببندیم و فکر می‌کنیم با بستن راه‌ها آسیب‌های اجتماعی ناپدید می‌شوند. در صورتی که ما راه را می‌بندیم و این در جای دیگر سرریز می‌کند. مثل این که بخواهید جلوی آب را بگیرید». بنابراین، آنچه مسلم است فضای حاکم بر آموزش و علم بر هویت دانشجویی نقش مهمی ایفا می‌کند.

### عوامل مداخله‌گر

شرایط مداخله‌کننده، مشابه زمینه و آن متغیرها و شرایطی است که پدیده در آن روی می‌دهد. در فاصله‌ای دورتر از زمینه گسترش دارد. در واقع، شرایط مداخله‌گر، شرایط ساختاری هستند که مداخلهٔ سایر عوامل را تسهیل یا محدود می‌کنند و کنش‌ها و تعاملات از آن‌ها متأثر می‌شوند. مهم‌ترین عوامل مداخله‌گر اثرگذار بر شکل‌گیری هویت دانشجویی عصر کنونی در نظام آموزش عالی ایران از دیدگاه صاحب‌نظران در زیر شناسایی شده است.

### عوامل خانوادگی

یکی از عوامل اثرگذار بر هویت دانشجویان معاصر، هویت و ویژگی‌های منحصر به فرد خانواده‌های امروزی است. ویژگی‌هایی همچون ضعیف بودن خانواده‌ها، والدین محافظه‌کار، بدون هویت بودن از ویژگی‌های خانواده‌های امروزی است. به عنوان مثال، در همین رابطه یکی از اساتید می‌گوید: «دانشجوی قبل انقلاب از یه خانوادهٔ قوی اومده، اما دانشجوی امروز ما یه خانوادهٔ ضعیف داره، خانواده‌ای که خودش هنوز در هویت‌یابی دچار مشکل هست. فرد ۱۸ ساله‌ای که وارد دانشگاه می‌شه مادرش هنوز نمی‌دونه آیا کارش صحیح بوده یا نه یا پدر با خودش درگیره که آیا کار درست کرده و تشکیل خانواده داده یا خیر؟». یکی دیگر از اساتید دربارهٔ خانواده‌های امروزی معتقد است که: «از لحاظ تربیتی هم واگذاری تربیت کردن رو به مؤسسات آموزشی دادن و کمتر کنترل، نظارت، بازخورد از مسائل آموزشی آن‌ها دارن، انگار مؤسسات قیّم بچه‌ها شدن». یکی دیگر از اساتید دربارهٔ هویت خانواده‌های دانشجویان قبل از انقلاب و دانشجویان کنونی می‌گوید: «دانشجوی قبل انقلاب از یه خانوادهٔ محکم می‌آمد، به همین دلیل شخصیت محکمی هم داشت. اکثر دانشگاه‌های ما سال ۵۲ و ۵۳ به بعد که تا ۵۷ دانشجوی انبوهی وجود داشت امکان ورود اکثر دانشجویها رو فراهم می‌کنه و حجم انبوهی از

طبقه پایین و متوسط... فضای آدم‌هایی که حرکت بزرگ از روستا به شهر کردن، این‌ها یک آرزوی بلند دارن و یک رادیکالیزم پشتش وجود داره که به‌سادگی راضی نمی‌شه... میل به تغییر وجود داره اما دانشجویان امروزی حسی از زندگی شهری دارن ولی درعین‌حال لذت زندگی شهری رو نمی‌برن و خانواده‌ی ضعیفی هست و یه شخصیت ضعیف هم هست و انعطاف‌پذیر نیست چون اگر انعطاف‌پذیر بود کم‌کم یه شخصیت قدرتمند شکل می‌گرفت. این موضوع به گونه‌ای است که تعاملی بین بچه‌ها و خانواده شکل نمی‌گیره». بنابراین، می‌توان گفت که فضای حاکم بر خانواده‌ی دانشجویی قبل از انقلاب و آغاز انقلاب دارای تعامل بالا، قوی، و دارای مسیر است، درحالی‌که بسیاری از خانواده‌های کنونی سردرگم و بدون بنیه‌ی قوی هستند.

از نظر سیاسی نیز خانواده‌های امروزی، محافظه‌کارانه عمل می‌کنند. یکی از اساتید می‌گوید: «[اینکه دانشجوی] یواش می‌آد یواش می‌ره منبعث از خانواده هم شاید باشه، اینکه کاری به مسائل سیاسی نداره شاید تجربه‌ی زیست‌شده‌ی خانواده‌ها هست که به بچه‌هاشون منتقل کردن که وارد این مباحث نشین و تأثیری رو این مسائل ندارین... به غیر از اقلیتی». از نظر یکی از اساتید: «فضای خانوادگی هم متأثر از گذر زمان است. به‌نوعی از حالت هیجانی نزول کرده و منافع بچه‌ها رو بیشتر در نظر می‌گیرن». یکی از اساتید دیگر در همین زمینه می‌گوید: «تجربه‌ی پدر و مادرهای این‌ها هست که درطول انقلاب این مسائل رو تجربه کردن به بچه‌ها انتقال دادن که وارد مسائل سیاسی به‌صورت حضور فیزیکی نشین». یکی دیگر از اساتید می‌گوید: «به‌نظر، ساختار موجود و درس‌هایی که خانواده‌ها از این ساختار گرفتن و به دانشجویها انتقال دادن به این سمت سوق داده. تجربه‌های پدر و مادر در خانواده‌ها که در نسل اول و دوم انقلاب بودن، به بچه‌ها منتقل شده. خودشون را درگیر اصلاح وضع موجود نمی‌کنن و آن‌ها هم دارن تبعیت می‌کنن و شاید از طریق خدمات مجازی هم به‌دست آورده باشن و این استنتاج رو داشته باشن». بنابراین، می‌توان گفت که یکی از ویژگی‌های هویت خانوادگی دانشجویی امروزی این است که دارای یک خانواده‌ی محافظه‌کار بوده و از طریق این انتقال تجربه‌ی خانوادگی است که دانشجویی به یک نوع بی‌تفاوتی سیاسی دچار شده است.

## عوامل اقتصادی و اشتغال

یکی از عوامل دیگری که نقش مهمی در هویت کنونی دانشجویان دارد عوامل اقتصادی و اشتغال است. در همین زمینه، یکی از اساتید ضمن تبیین علت بی‌انگیزگی تحصیلی و ارتباط دادن آن به دورنمای نامناسب اشتغال، می‌گوید: «دانشجویان انگیزهٔ تحصیلی برای یادگیری ندارند به‌جز تک‌ستاره‌هایی که آن‌ها در واقع درس را برای درس می‌خوانند و یا در این مجاری پریچ‌وخم اداری هنوز نقطهٔ اتکایی دارند که بتوانند با این درس خواندن به اشتغالی دسترسی پیدا کنند و برخی که مقصدشان خارج از کشور است و می‌خواهند از آموخته‌های این‌جا به‌عنوان دست‌مایه‌ای برای ظهور توانمندی‌شان در خارج کشور داشته باشند». یکی از اساتید دیگر در این زمینه می‌گوید: «...از طرف دیگر، سیگنال‌های بازار کار هم مناسب نیست. نه سیگنال‌های درون دانشگاه مثبت است برای آموزش و نه سیگنال‌های بیرون دانشگاه برای ورود به تحصیلات تکمیلی خیلی جذاب است. مثل وضعیت اشتغال و اقتصاد. بحث اشتغال دانشجویان خیلی مهم و تأثیرگذار است. ما دانشگاهمان پایه و اساسش برای تربیت نیروی انسانی برای بازار کار بود. از ابتدای شکل‌گیری بیشتر تربیت نیروی برای دولت بود. فکر کردند به نیروی انسانی متخصص نیاز دارند. نیرویی که جزو بدنهٔ دولت شود. دولت خودش نیاز به این نیروی متخصص داشت. برای کسی که دیوان اداری خودش را توسعه دهد. پذیرش برای نیروی تحصیلکرده خیلی مهیا نیست. دولت می‌خواهد خودش را کوچک کند و کشش جذب نیرو ندارد. از سوی دیگر، تعداد دانشجو افزایش یافته و شرایط اقتصادی کشور به‌گونه‌ای است که شرایط جذب نیروی کار نیست. توسعهٔ آموزش عالی همراه با توسعهٔ آموزش عالی کشور نیست». یکی از اساتید دیگر دربارهٔ تأثیر فضای کسب و کار بر آرمان‌های دانشجویی می‌گوید: «ما دیدیم دانشجوی بسیجی که سال اول خیلی تند و تیز هست ولی در سال‌های بالاتر برای دستیابی به منافع شخصی حاشیه می‌ره و برای دستیابی به شغل، دستیار شدن، هیئت علمی شدن، و... تغییر موضع می‌دهد. حتی ممکنه از آرمان‌هاش کوتاه بیاد». یکی از اساتید دیگر در این زمینه که طبیعتاً ادراک دانشجو از اینکه دانش موجود تا چه میزان در فضای کسب‌وکار مورد استفاده‌اش قرار می‌گیرد بر اهتمام وی به درس و مطالعه اثر می‌گذارد، می‌گوید: «در دو دههٔ گذشته، دانشجو به درس اهتمام بیشتری نشان می‌داد، چون می‌دانست که از این تجارب بهره‌مند خواهد شد، اما الان این چشم‌انداز اشتغال به‌شدت کدر

است و اثر گذاشته روی انگیزه‌اش». بنابراین، فضای ادارک‌شده از کسب‌وکار و اشتغال بر هویت فرد در ابعاد مختلف اثرگذار است.

### عوامل زمینه‌ای

به مجموعه‌ای از مفاهیم، طبقه‌ها یا متغیرهایی شرایط زمینه‌ای گویند که بر کنش‌ها و تعاملات تأثیر می‌گذارند. در واقع، تشخیص شرایط زمینه‌ای از شرایط علی دشوار است و به آن ارزش‌ها و موقعیت‌هایی گفته می‌شود که متغیرها در متن آن قرار دارند. معمولاً شرایط علی اهمیتی بیش از شرایط زمینه دارند (حاج باقری و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۳۱). به عبارت دیگر، می‌توان گفت زمینه یک پدیده، در واقع همان محل حوادث و وقایع متعلق به یک پدیده است. در ادامه، مهم‌ترین شرایط زمینه‌ای اثرگذار بر شکل‌گیری هویت دانشجویی را در نظام آموزش عالی ایران از دیدگاه صاحب‌نظران آورده‌ایم.

### فضای سیاسی حاکم بر جامعه

تحلیل داده‌ها و مفاهیم مربوط به مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که یکی از عناصری که در ساخت‌دهی هویت دانشجویی نقش مهمی ایفا می‌کند، محیط و فضای سیاسی - اجتماعی حاکم بر جامعه است. در همین زمینه، یکی از اساتید می‌گوید: «دو عامل را در روند پویایی دانشجویان مؤثر می‌بینم؛ یکی فضای دورنمای تیره شغلی، دوم فضای امنیتی و خط‌کشی‌های حاد سیاسی است که به گونه‌ای هزینه نه تنها فعالیت بلکه هزینه تفکر و اندیشه را به شدت بالا برده و بنابراین شما احساس می‌کنید با یک جماعت خاموش سر و کار دارید». یکی از اساتید دیگر در این ارتباط که طبیعتاً فضای جامعه بر هویت دانشجویی تأثیرگذار است، می‌گوید: «البته دانشجوی هم تقصیر ندارد. وقتی ما نگاه می‌کنیم جامعه دانشگاهی رو نمی‌شه یه زیرسیستمی رو از مجموعه سیستم جدا کرد. وقتی تو جامعه ما نگاه می‌کنیم بعد از انقلاب اومدن مدرک رو بی‌بها کردن، علم رو بی ارزش کردن و خواستن به همه مدرک بدن. در دانشگاه‌ها رو باز کردن، سیاست‌هایی اتخاذ کردن و بیشتر الگوهایی که بعد انقلاب شد سیاست تقاضای اجتماعی بود، یه تقاضای انباشته وجود داشت و این‌ها نیومدن براساس نیازهای جامعه دانشجوی گزینش کنن اما بعد در بین مردم توقعاتی ایجاد شد و نتونستن پاسخ

بدن». یکی از اساتید دیگر در این زمینه که ساختار سیاسی اجتماعی موجود از طریق پیام‌های ضمنی و همچنین تجربه‌های دست دومی که خانواده‌ها از ساختار موجود کسب کرده‌اند به دانشجو این پیام را القا می‌کند که چگونه رفتار کند، می‌گوید: «به‌نظر ساختار موجود و درس‌هایی که خانواده‌ها از این ساختار گرفتن و به دانشجویها انتقال دادن به این سمت سوق داده. تجربه‌های پدر و مادر در خانواده‌ها در نسل اول و دوم انقلاب بودن به بچه‌ها منتقل شده».

یکی دیگر از اساتید در این زمینه می‌گوید: «...حالا کی جرأت داره؟ مگه کسی می‌تونه صحبت کنه. در واشنگتن از اسلام استقبال می‌کنن یا مکتب فرانکفورت می‌رن دانشگاه‌های آمریکا، هابرماس یا امثال آن، اونجا کرسی دارن، صحبت می‌کنن یا وقتی شما می‌بینین ... روان‌شناس یهودی مخالف سیاست‌های آمریکا است اما در دانشگاه‌ها راحت صحبت می‌کنه، با همهٔ تلویزیون‌ها حتی با تلویزیون ایران و جاهای دیگه». فضای سیاسی حاکم بر جامعه به‌صورت عمیقی بر هویت دانشجویی به‌خصوص هویت سیاسی دانشجو تأثیر می‌گذارد. دانشجویی که این احساس را در مورد فضای سیاسی جامعه دارد که با کوچک‌ترین نقد ممکن است با زندان، اخراج، و بی‌کاری در آینده مواجه شود، طبیعتاً سعی می‌کند که به قول یکی از مصاحبه‌شوندگان «... یواش می‌آد یواش می‌ره» یا به‌قول یکی از اساتید [این‌گونه نیست که] بیاد سینه سپر کنه. دیگه حاضر به اون ریسک‌ها نیس که هم برای خودش و منافع آینده‌ش خطرات به‌همراه داره... نمی‌ره تو بحث سیاسی». بنابراین، آنچه مشخص است فضای ادراکی دانشجو از فضای سیاسی حاکم، وی را به‌سمت محافظه‌کاری در هویت سیاسی سوق می‌دهد.

در همین زمینه، یکی از اساتید دیگر می‌گوید: «خیلی از دانشجویها که می‌بینن فضای سیاسی رو... نمی‌آن ... خیلی جالبه وقت انتخابات می‌شه احزاب رو می‌آریم دانشگاه، بعد دانشجوی بدبخت یه حرفی می‌زنه بعد همین دانشجو رو محکوم می‌کنیم که چرا این حرفو زده». بنابراین، طبیعی است که این فضای سیاسی حاکم بر جامعه به‌طور کلی و به‌طور خاص آموزش عالی به‌طور خاص، دانشجو را به‌سمت محافظه‌کاری و یا بی‌تفاوتی سیاسی سوق می‌دهد. در نتیجه، یکی از عناصری که هویت دانشجو را شکل می‌دهد، فضای سیاسی حاکم بر جامعه است.

## استراتژی‌ها

اقدامات هدمندی است که در پاسخ به پدیده و به دنبال شرایط مداخله‌کننده روی می‌دهند. به همه اقدامات خرد و کلان که در جهت کمک به تقویت شکل‌گیری فرایند مورد بررسی می‌پردازند، استراتژی گفته می‌شود که در ادامه، به توصیف آن پرداخته شده است.

### واقع‌بینی و توجه به مسائل روز

یکی از استراتژی‌هایی که برای تقویت و بهبود هویت پویای دانشجویی در دوران معاصر مطرح است، واقع‌بینی و توجه به مسائل روز و مواجهه‌شدن به سبک امروزی با چالش‌های هویتی است. به‌عنوان مثال، یکی از اساتید در همین زمینه می‌گوید: «ساختار دانشگاه باید جوری چیده شود که صدای دانشجویان شنیده شود، از آن‌ها بخواهیم و تشویق کنیم که نظراتشان را بدهند، چه چیزهایی را مثبت می‌بینند که تقویت بشه؛ چه چیزهایی را منفی می‌بینن که اصلاح بشه. به آن‌ها این باور را بدیم که آن‌ها نقش دارند. اما الان اصلاً چنین باوری وجود نداره». یکی از اساتید دیگر در همین زمینه اشاره می‌کند که: «به‌نظر من باید انعطاف‌پذیرتر به تحولات فرهنگی نگاه کنیم. باید تحولات فرهنگی به‌طور واقع‌بینانه دیده شود. این شوخی‌ها است اما اگر شما بخواهید ممنوع کنید جور دیگری خودش را نشان خواهد داد. من گاه می‌بینم بچه‌ها در آلاچیق‌ها نشسته‌اند، می‌گویند که این دخترها و پسرها چی می‌گویند. می‌گویم این خوب است چون زیر چشم ما نشسته‌اند. وقتی شما نشستنتن تو آلاچیق را ممنوع کنی آن‌ها می‌روند جای دیگری می‌نشینند که ما نمی‌بینیم که این خطر بیشتری ایجاد می‌کند. آسیب‌های اجتماعی با خودش دارد. باید با انعطاف‌پذیری به موضوع نگاه کنیم. ما وقتی اصرار داریم علائم فرهنگ غربی در دانشگاه‌ها نمود پیدا نکنند خطر بیشتری به‌همراه خواهد داشت و هزینه‌های بیشتری را در جای دیگری باید پردازیم». یکی از اساتید دیگر در زمینه واقع‌بینی و توجه به حقایق اجتماعی می‌گوید: «ما باید بپذیریم برای چالش‌های امروز راهکاری امروزی پیدا کنیم. ما نمی‌خواهیم بگوییم که کشورهای غربی در حل آسیب‌های اجتماعی‌شان موفق بودند، ما باید ببینیم که آن‌ها هم برای مقابله با این چالش‌ها چه راهکارهای جدیدی دارند. اما این‌که بخواهیم دانشگاه‌ها را زنانه و مردانه کنیم و تفکیک جنسیتی کنیم، این چی می‌شود؟ جامعه‌ای که باورهایش تحت تأثیر هزارویک عامل شکل می‌گیرد شما از این طریق این طرف ممنوع و آن طرف ممنوع، قطعاً هزینه

خودش را در پی دارد. شما حتی الان می‌بینید خانه‌های دانشجویی، خوابگاه‌ها خیلی بدتر از آن چیزی است که ما زمان شاه داشتیم. اصلاً این مسائلی که ما الان داریم آن موقع نبود. به نظر من بخش زیادیش فرهنگی است. اگر ما این تحولات فرهنگی را نپذیریم و در همین دانشگاه و جامعه برایش راهکاری مناسب ارائه ندهیم هزینه‌های کمرشکنش را می‌بینیم. گسترش فحشا و انواع آسیب‌ها». یکی از اساتید دیگر می‌گوید: «راهی به انجمن‌ها نمی‌دهند که حرفی بزنند. وقتی دانشجو نمی‌تواند اعتراض کند، ظاهراً به همه چیز بی‌تفاوت است ولی آن‌چه خیلی جای تأسف دارد این است که این بی‌تفاوتی به معنای این نیست که دوست ندارد. در واقع، این بی‌تفاوتی سرپوشی است که بر روی آن نارضایتی می‌گذارد. و هر زمانی که جا باز کند طغیان می‌کند».

### حرفه‌ای‌سازی هویت دانشجویی از طریق تعاملات علمی

یکی از استراتژی‌های دیگری که می‌تواند به دانشجویان در هویتشان و به‌طور خاص هویت حرفه‌ای آن‌ها کمک کند، تعاملات بین‌المللی است. از این طریق، دانشجو می‌تواند هویت حرفه‌ای و تخصصی خود را در تراز جهانی بازشناسی کند و از انزوا بیرون بیاید. در همین زمینه، یکی از اساتید می‌گوید: «اگر واقعاً جامعهٔ علمی ما بخواهد تکان و جهشی پیدا کند، این در گرو تعاملات بین‌المللی است. دانشجوی علوم سیاسی ما اگر با متناظرین خودش در کشورهای دیگر درگیر نشود، نمی‌تواند موقعیت خود را درک کند. متأسفانه این نگاه وجود دارد که تبادل علمی یعنی جاسوسی و بازشدن روزنهٔ نفوذ. این‌ها باعث شده تا ما نتوانیم خودمان را با تراز جهانی بسنجیم و لازم است با توجه به بازانندیشی در سطح علمی و آموزشی باید سطح تعاملات بین‌المللی ارتقا یابد. این تأسف‌برانگیز است که دانشجوی دکتری ما تا این سطح در هیچ کنفرانس بین‌المللی شرکت نمی‌کند و استاد مدعو خارجی وجود ندارد و در کنفرانس منطقه‌ای شرکت نمی‌کند. این انگیزه را پایین می‌آورد. من یادم است در یک کنفرانس که من خودم بانی‌اش بودم استاد از خارج به‌همراه دانشجویانش آمده بودند. خب همان فضا باعث ایجاد شبکهٔ روابط شد و در واقع چنین فضایی کارکرد چندگانه دارد و فرایند یادگیری را تسهیل می‌کند». یکی از اساتید دیگر معتقد است: «اگر دانشجوی ما قرار است هویت واقعی مربوط به رشته خودش را به‌دست بیاورد، باید با دنیای بیرون از خودش تعامل داشته باشد، باید بتواند با اساتید خارجی ارتباط برقرار کند و بتواند یک مقایسه‌ای بین آن‌چه به‌عنوان

محتوای تخصصی رشته‌اش به خوردش می‌دهند با وضعیت رشته در کشورهای معتبر دنیا بکند. هویت حرفه‌ای و آکادمیک دانشجو در انزوا شکل نمی‌گیرد و باید یک سری تعاملاتی با دانشگاه‌های خارجی داشته باشد».

یکی از اساتید دیگر می‌گوید: «درحالی‌که دنیا برای انگیزه‌بخشی تجاری را دارد دنبال می‌کند و این به نظر من کسب آن‌ها باید صورت گیرد همان‌طور که آن‌ها در بحث اشتغال تجاری دارند در بحث آموزش الان مثلاً دنیا رفته به سمت آموزش مشارکت گروهی و حتی استاد را خیلی درگیر می‌کند که وارد فرایند آموزش شود. درحالی‌که همان شیوه گذشته را دنبال می‌کنیم و حاضر نیستیم حتی این را بازنگری کنیم». یکی از اساتید دیگر در این زمینه که هویت حرفه‌ای دانشجو از طریق تبادل و ارتباط با دانشگاه‌های دیگر شکل می‌گیرد، می‌گوید: «دانشجویان باید کشورهای مختلف برن کنفرانس و... حتی به صورت ویدئوکنفرانس دانشجویان بیان همایشی که خارج برگزار می‌شه ببینن، کلاس‌داری اون‌ها رو ببینن و ببینیم اونجا چه اتفاقی می‌افته». بنابراین، برای حرفه‌ای‌سازی هویت دانشجویی تعاملات بین‌المللی نقش مهمی ایفا می‌کند.

### نگاه سیستمی به نظام آموزشی

یکی از استراتژی‌های دیگری که در تقویت هویت دانشجویی ایدئال مؤثر است، نگاه سیستمی به نظام آموزشی است. در این زمینه یکی از اساتید می‌گوید: «[به‌منظور بهبود هویت قوی حرفه‌ای دانشجویی]، یک سری اصلاحات درون سیستم در مورد سرفصل دروس، شیوه آموزش اساتید، فضای دانشگاه، مدیریت، و... عناصر درون دانشگاه باید صورت گیرد. یک سری اصلاحات [نیز] در بیرون نظام آموزش عالی باید رخ دهد در مورد اشتغال و ... این گره‌های کور در بیرون دانشگاه وجود دارد و شکاف بین دانشگاه و نهادهای درون جامعه است که این مشکل را تشدید کرده است». یکی از اساتید دیگر نیز می‌گوید: «وقتی می‌خوایم دانشگاه را بررسی کنیم و بحث هویت دانشگاه مطرح می‌شه، دانشگاه، دانشجو، استاد؛ همه این‌ها هویتشون در رابطه با هم شکل می‌گیره. ما برای این کار باید درون داد، فرایند و برون‌دادهای دانشگاه را در نظر بگیریم».

یکی از اساتید نیز معتقدند که هویت دانشجو متأثر از فضای حاکم بر آموزش عمومی است و برای شکل‌دهی مناسب آن نیاز است به دوره‌های قبل‌تر هم گذری بزنیم. وی می‌گوید: «باید از دورهٔ ابتدایی مطرح بشه و معلم هم خودش صفات در وجودش باشه، مدرسه ترویج‌کنه... وقتی بچه می‌بینه معلمش چنین صفاتی ندارن یا مدرسه مروج چنین چیزهایی نیست، کتاب‌های درسی این ویژگی‌ها رو نداره... ما همین‌طور بچه رو وارد دانشگاه می‌کنیم و استاد دانشگاه ما هم از این آموزش عمومی انتقال پیدا کرده به آموزش عالی، شاید اون استاد هم این صفات را نداشته باشه. بنابراین یه کار مبنایی می‌خواد و دفعتهاً نمی‌شه انجام داد و نتیجه گرفت و نیازمند زمان هست». بنابراین، می‌توان گفت که برای شکل‌دهی هویت دانشجویی به صورت مطلوب، یکی از مواردی که حائز اهمیت است این است که دانشگاه را به صورت یک سیستم در نظر گرفت که دارای اجزای جزئی‌تری مثل دانشجو، استاد، و برنامهٔ درسی است و از طرف دیگری با سیستم‌های دیگری مثل نظام آموزش عمومی و همچنین نظام اشتغال در ارتباط تنگاتنگ است که باید آن‌ها را به موازات هم دید و برای آن برنامه‌ریزی کرد.

### حذف دغدغه‌های مالی دانشجویان

یکی از استراتژی‌های دیگر به‌منظور تقویت هویت دانشجویی ایدئال، حذف دغدغه‌های مالی دانشجو است. در همین زمینه، یکی از اساتید می‌گوید: «دانشجو باید از یک سری چیزها فکر و ذهنش آزاد باشه، دغدغهٔ مادیات نباید داشته باشه. دولت باید تأمین کنه. اگر نکنه، ظلم کرده. باید استعدادهای رو بشناسه و تأمینشون کنه و تضمینش هم بکنن. یعنی اگر قرار باشه فردا برای جایی استخدام بشه به‌خاطر عقیده‌ش نباشه، براساس شایستگی‌ها باشه نه روابط». یکی از اساتید دیگر در تأیید همین مطلب می‌گوید: «بعضی دانشجوها برای امرار معاش مجبورن چندجا کار کنن، مشکلات مختلف خانوادگی و... هم هست، طبیعتاً ذهنش باز نمی‌مونه برای فعالیت علمی». بنابراین، می‌توان گفت برای رشد هویت حرفه‌ای و درگیرکردن دانشجو در یادگیری علم نیاز است که سیستم‌های تأمینی، بورسیه‌ها و اقداماتی که حداقل کمک‌های مالی برای دانشجویان در نظر گیرد، را فراهم آورد.

## پیامدها

درواقع، برخی از متغیرها بیانگر نتایج و پیامدهایی هستند که در پدیده به‌وجود می‌آیند. در ادامه، پیامدهای حاصل از هویت دانشجویی کنونی در سه سطح فردی، سازمانی، و ملی ارائه شده است.

## پیامد فردی

یکی از پیامدهای هویت دانشجویی کنونی در سطح فردی مطرح می‌شود. به‌عبارت دیگر، پیامدهای هویت کنونی باعث ایجاد دانشجویانی بی‌انگیزه، ناامید، بی‌کار، خروجی‌های ضعیف، و... می‌شود. در این زمینه، یکی از اساتید می‌گوید: «...انگیزه لازم نه دانشجو دارد، نه استاد و فضا نیز به آن سمت پیش می‌رود. چون تعامل و سیگنال‌هایی که به هم می‌دهند خیلی مهم است. سیگنال درون گروهی نیست [در ادامه، درباره وضعیت اشتغال و بازار کار می‌گوید و ادامه می‌دهد] که این شرایط روی انگیزه دانشجو مؤثر بوده و انگیزه‌هایش را از دست داده». یکی از اساتید دیگر می‌گوید: «با این نگاه مدرک‌گرا که وجود دارد طبیعتاً خروجی‌های ما دانشجویان ضعیفی می‌شن و از اون طرف توانایی ورود به بازار کار ندارن و بی‌کار می‌مونن و خود بی‌کاری هزار معضل دیگه با خودش به‌همراه می‌آره». یکی از اساتید دیگر درباره وضعیت بی‌انگیزگی دانشجویان کنونی می‌گوید: «در نتیجه این [امر]، محصولات نظام، محصولات بسیار کم‌انگیزه، کم‌کیفیت و مأیوس و ناامید هستند». بنابراین، در سطح فردی پیامدهای هویت دانشجویی کنونی، شامل بی‌انگیزگی، ناامیدی، بی‌کاری و ... می‌شود.

## پیامد سازمانی (دانشگاهی)

یکی از پیامدهای دیگر هویت کنونی دانشجویی در سطح سازمانی (دانشگاهی) مطرح است. به‌عنوان مثال، یکی از اساتید می‌گوید: «...این دانشجویان عملاً خروجی‌های دانشگاه‌های ما هستند، خوب شما ببینید با این وضعیت دانشگاه‌های ما نمی‌توانند نقشی در تولید علم جهانی داشته باشند. فعالیت چشم‌گیری داشته باشند». یکی از اساتید دیگر درباره وضعیت بی‌انگیزگی دانشجویان کنونی و رابطه آن با تولید علم می‌گوید: «... و آن چیزی که می‌شود گفت این [است] که آن چیزی که محصول [دانشجو] نظام جمهوری اسلامی ایران است محصول

دل‌چسب و مطبوع و کارآیی نیست و در نتیجه، این محصولات نظام محصولات بسیار کم‌انگیزه، کم‌کیفیت، و مایوس، و ناامید هستند و این‌ها فکر می‌کنم در تعیین جایگاه علمی ایران در سطح منطقه و دنیا یک تنزل معنا‌داری را به‌بار خواهند آورد. الان وقتی جامعهٔ علمی ایران مقاله می‌نویسد در تولید علم بخش زیادی اساتید گذشته هستند و بخشی به‌خاطر اجبار برای داشتن مقالات برای دفاع است و گرنه آن چیزی که علم را علم می‌کند، ماهیت داوطلبانه بودن آن است که در واقع این به‌شدت تحلیل رفته...».

یکی از اساتید دیگر دربارهٔ وضعیت علمی دانشجویان امروزی می‌گوید: «شما نگاه کن الان [دانشجوی] دکتری اومه که ۶۰ مقاله انگلیسی داره، چیزی که خودش به حساب نوشته و روش نمی‌تونه بخونه، وقتی از این‌ها آزمون جامع می‌گیریم غلط‌های فاحش املائی داشتن، ایشون در حد ششم ابتدایی هم نمی‌تونه بنویسه. اون موقع افراد واقعاً خالص و مخلص بودن، اما الان نگاه می‌کنی مدرک‌گرایی در بین مردم حاکم شده، در صورتی که قبل انقلاب این‌جوری نبود.»

### پیامدهای ملی

یکی دیگر از پیامدهای هویت دانشجویی در سطح ملی دیده می‌شود. در این زمینه، یکی از اساتید پس از تشریح وضعیت ضعیف دانشجویان کنونی می‌گوید: «با این دانشجویان چطور کشور ما می‌خواد پیشرفت کنه؟ این دانشجویان به‌عنوان فارغ‌التحصیلان قراره وارد صنعت بشن. با چه دانشی؟ چه مهارتی؟ چه تحلیلی؟ من فکر می‌کنم با این وضعیت سیستم اقتصادی دچار مشکل می‌شه». یکی از اساتید دیگر در زمینهٔ جایگاه ضعیف علمی ایران در حوزهٔ نظریه‌پردازی می‌گوید: «دانشگاه قبلاً هویتش علم بود، الان دانشگاه‌ها شدن مدرسه. شما این همه مقاله ببینید، این همه مقاله در دنیا چاپ می‌شه، ضریب تأثیرشون رو ببینین، چقدر ما از این‌ها استفاده می‌کنیم، اما ما نتونستیم تو دنیا چند تا تئوری جدید بدیم، این همه خارجی هستن پس اسم‌های ما کجاس؟ تیلور، تایلر ژيرو [از نظریه‌پردازان صاحب‌نام تعلیم‌وتربیت] و... درحالی‌که ما هیچ نقشی نداشتیم. ما هیچ وقت این‌قدر مجله‌های علمی نداشتیم اما حیف کاغذهایی که چاپ می‌شه در مجلات به‌دردنخور. بعضی مقاله‌ها هیچ حرف جدیدی ندارن، ما داریم ادا درمی‌آریم». یکی از اساتید دیگر می‌گوید: «این دانشجویان با این ضعف‌ها، عدم هویت مشخص، وقتی وارد جامعه بشن، نمی‌تونن جامعه را اون‌گونه که انتظار می‌ره آگاه کنن

و گاهی معضلات اجتماعی و فرهنگی کشور از همین خروجی‌های ضعیف ما هست که نمی‌تونن روشنگری کنن».

## ۵. بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که «هویت دانشجویی» در روایت استادان پیشکسوت، پدیده‌ای چندبعدی و زمینه‌مند است که در تعامل میان تجربه زیسته دانشگاهی و شرایط ساختاری آموزش عالی بازتعریف می‌شود. از منظر نظری، این نتیجه با رویکردهایی هم‌سو است که هویت را نه یک ویژگی ثابت فردی، بلکه حاصل معناسازی و تعلقات اجتماعی و نیز جایگاه‌بایی فرد در گروه‌ها و نهادها می‌دانند؛ به‌ویژه در چهارچوب نظریه هویت اجتماعی که تأکید می‌کند افراد بخشی از «خود» را از عضویت در گروه‌ها و مرزبندی‌های اجتماعی می‌گیرند (تاجفل و ترنر<sup>۱</sup>، ۱۹۷۹). همچنین با نگاه نظریه «هویت در نقش‌ها» که بر فعال‌شدن هم‌زمان هویت‌های متعدد و اثر موقعیت‌های سازمانی/نهادی بر آنها تأکید دارد نیز قابل تبیین است (برک و استتس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹).

در مدل مفهومی پژوهش، «فضای سیاسی حاکم بر آموزش عالی» و «فضای حاکم بر نهاد علم» به‌عنوان شرایط اثرگذار/علی برجسته شد. این نتیجه با ادبیات مطالعات دانشگاه سازگار است که نشان می‌دهد تجربه دانشجو در دانشگاه، در پیوند با سازوکارهای نهادی، قواعد رسمی و غیررسمی، و کیفیت ادغام/درهم‌تنیدگی دانشجو با اجتماع دانشگاهی شکل می‌گیرد (برای نمونه، در سنت پژوهشی ادغام اجتماعی-آکادمیک تینتو). در همین زمینه، نظریه «درگیرشدگی دانشجو» نیز تأکید می‌کند میزان انرژی روانی-رفتاری که دانشجو در تجربه دانشگاهی سرمایه‌گذاری می‌کند، تابع فرصت‌ها و ساختارهای محیطی و تعاملات دانشگاهی است (آستین<sup>۳</sup>، ۱۹۸۴). این چهارچوب‌های نظری توضیح می‌دهند چرا تغییر در فضاهای نهادی (نظیر فضای سیاسی/فرهنگی دانشگاه و منطق حاکم بر تولید علم) می‌تواند به تغییر در سبک کنشگری، تعلق و معناهای «دانشجو بودن» بینجامد. از سوی دیگر، نقش «خانواده» و «اقتصاد/اشتغال»، به‌عنوان شرایط مداخله‌گر، با تحلیل‌های جامعه‌شناختی سرمایه نیز قابل توضیح است، زیرا دسترسی

1 Tajfel & Turner

2 Burke & Stets

3 Astin

نابرابر به سرمایهٔ اقتصادی/فرهنگی/اجتماعی می‌تواند مسیرهای تجربه دانشگاهی و فرصت‌های هویت‌یابی را متفاوت کند (بورديو، ۱۹۸۶). علاوه‌براین، ادبیات معاصر نشان می‌دهد در شرایط بازار کار نامطمئن، «هویت حرفه‌ای» دانشجویان و نگاه آنان به دانشگاه می‌تواند بیش‌ازپیش تحت تأثیر منطق اشتغال‌پذیری و سرمایه‌های مرتبط با بازار کار قرار گیرد؛ به‌ویژه در پژوهش‌های مربوط به شکل‌گیری هویت حرفه‌ای در آموزش عالی (حیدری و رضایی، ۱۳۹۱؛ تاملینسون و جکسون<sup>۱</sup>، ۲۰۲۱). بنابراین، هم‌نشینی «افق‌های اشتغال» و «انتظارات خانواده» می‌تواند توضیح دهد چرا بخشی از تغییرات ادراک‌شده در هویت دانشجویی، در سطح ترجیحات، اولویت‌ها، و سبک مشارکت دانشگاهی منعکس می‌شود.

در بخش راهبردها تأکید مشارکت‌کنندگان بر «کاهش دغدغهٔ مالی»، «نگاه سیستمی»، و «تقویت تعاملات علمی/بین‌المللی» را می‌توان به‌منزلهٔ پاسخ‌های نهادی - سیاستی به همان شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر دانست. پژوهش‌های مرور شده نشان داده‌اند فشار مالی با پیامدهای منفی برای سلامت روان و تجربهٔ دانشجویی همراه است و می‌تواند کیفیت زندگی و کارکرد دانشگاهی را تضعیف کند؛ ازاین‌رو، حمایت مالی و کاهش استرس اقتصادی می‌تواند یکی از اهرم‌های بهبود تجربهٔ دانشجو باشد. همچنین، در سطح تحصیلات تکمیلی، شواهدی وجود دارد که سرمایه‌گذاری و حمایت‌های مالی/پژوهشی می‌تواند بر مسیر حرفه‌ای و بهره‌وری پژوهشی دانشجویان اثرگذار باشد. درنهایت، توصیه به «نگاه سیستمی» با ادبیات رایج در مطالعات آموزش عالی هم‌خوان است که تجربهٔ دانشجو را برآیند تعامل میان برنامهٔ درسی، ساختارهای دانشگاهی، کیفیت تعاملات آموزشی - پژوهشی و پیوند دانشگاه با محیط اجتماعی - اقتصادی می‌داند (تینتو<sup>۲</sup>، ۱۹۹۳؛ آستین، ۱۹۸۴؛ مک‌کلاود، و بان<sup>۳</sup>، ۲۰۱۹؛ گرادی-رید و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۲۱).

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد هویت دانشجویی، از منظر استادان پیشکسوت، پدیده‌ای پویا و چندبعدی است که در پیوندی نزدیک با تحولات نهادی، اجتماعی، و اقتصادی آموزش عالی شکل می‌گیرد. یافته‌ها حاکی از آن است که دگرگونی‌های مشاهده‌شده در ابعاد فردی،

1 Tomlinson & Jackson

2 Tinto

3 McCloud & Bann

4 Graddy-Reed et al.

اجتماعی، سیاسی، دینی، و حرفه‌ای هویت دانشجویی را نمی‌توان صرفاً به ویژگی‌ها یا کنش‌های فردی دانشجویان فروکاست، بلکه این دگرگونی‌ها بازتاب تغییر شرایط ساختاری حاکم بر دانشگاه، نهاد علم، و فضای کلان جامعه است. بر این اساس، الگوی مفهومی استخراج‌شده از داده‌ها نشان می‌دهد شرایط علمی، زمینه‌ای و مداخله‌گر به صورت هم‌زمان در شکل‌دهی به معانی و تجربه «دانشجو بودن» نقش ایفا می‌کنند.

از منظر دلالت‌های سیاستی و کاربردی، یافته‌ها بر ضرورت اتخاذ رویکردی جامع و سیستمی در سیاست‌گذاری آموزش عالی تأکید دارند. نخست، تقویت هویت دانشجویی مستلزم توجه هم‌زمان به شرایط درون‌دانشگاهی (نظیر فضای علمی، برنامه‌های درسی، کیفیت تعامل استاد-دانشجو) و شرایط بیرونی (از جمله بازار کار، ساختار اقتصادی، و انتظارات اجتماعی) است. دوم، کاهش دغدغه‌های مالی دانشجویان و گسترش سازوکارهای حمایت مالی، به‌ویژه در دوره‌های تحصیلات تکمیلی، می‌تواند زمینه تمرکز بیشتر بر یادگیری، پژوهش، و شکل‌گیری هویت حرفه‌ای را فراهم آورد. سوم، تقویت شبکه‌های علمی، تعاملات پژوهشی، و ارتباطات بین‌المللی، متناسب با ظرفیت‌ها و ملاحظات نهادی، می‌تواند به غنای تجربه دانشگاهی و شکل‌گیری هویت حرفه‌ای و علمی دانشجویان کمک کند. در مجموع، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد هرگونه برنامه‌ریزی برای ارتقای هویت دانشجویی، بدون در نظر گرفتن پیوند متقابل دانشگاه و ساختارهای اجتماعی - اقتصادی با محدودیت جدی مواجه خواهد بود.

#### ۶. محدودیت‌ها و پیشنهاد برای پژوهش‌های آینده

از آنجاکه داده‌ها از استادان پیشکسوت گردآوری شده است، یافته‌ها ناظر به ادراک و روایت آنان از تغییرات هویت دانشجویی است و ممکن است تحت تأثیر «نوستالژی نسلی» یا مقایسه ضمنی با تجربه زیسته دوره دانشجویی آنان قرار گیرد. بنابراین، این نتایج باید به‌عنوان بازنمایی یک زاویه دید نهادی تفسیر شود، نه تعمیم یا حکم قطعی درباره همه دانشجویان. بر همین اساس، پیشنهاد می‌شود الگوی کیفی ارائه‌شده در مطالعات بعدی با (الف) گردآوری داده از خود دانشجویان، (ب) پیمایش و سنجش کمی مؤلفه‌ها، و (ج) استفاده از داده‌های اسنادی/رسمی آموزش عالی، اعتبارسنجی و تکمیل شود.

## منابع

- احمدی، سلیمان؛ باقری، فاطمه؛ احمدی طهران، هدی (۱۴۰۳). تبیین تجارب زیسته هویت حرفه‌ای دانشجویان و دانش‌آموختگان رشته آموزش پزشکی. *مجله دانشگاه علوم پزشکی قم*، ۱۸، ۱-۱۲.
- انصاری، محمدرضا؛ کاظمی پور، شهلا؛ و علی‌محسنی، رضا (۱۴۰۰). مطالعه جامعه‌شناختی هویت مدرن و دینی دانشجویان (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه تهران)، *فصلنامه مطالعات تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱۰(۳)، ۹۴۹-۹۷۳.
- حسن‌زاده، سعید، رهبر قاضی، محمدرضا؛ و گودرزی، مهناز (۱۳۹۹). واکاوی نقش هویت دینی در گرایش افراد به محافظه‌کاری سیاسی، اقتصادی و فرهنگی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه‌های اصفهان). *فصلنامه مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی*، ۱۰(۴)، ۱۲۱-۱۴۴.
- رحمانی، جبار و طیبی‌نیا، مهری (۱۳۹۷). فرایند تحول هویت اجتماعی زنان در تجربه گفتمانی نهاد دانشگاه (مورد مطالعه: زنان متأهل، شاغل و دانشجو). *فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۱۱(۱)، ۱۲۳-۱۵۱.
- رضایی، احمد؛ منصوری، سیروس؛ و عابدینی، میمنت (۱۳۹۰). جایگاه برنامه درسی دانشگاهی در تقویت هویت ملی دانشجویان. *فصلنامه مطالعات ملی*، ۱۲(۱)، ۵۳-۷۱.
- زارع، بیژن و ریگی، یاسر (۱۴۰۱). مطالعه تطبیقی عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی دانشجویان (با تأکید بر سبک زندگی و طبقه اجتماعی) در دانشگاه‌های زابل و خوارزمی. *فصلنامه جامعه‌شناسی سبک زندگی*، ۱۹(۸)، ۱۴۴-۱۱۰.
- زارعی متین، حسن و توره، ناصر (۱۳۸۶). دانشگاه و هویت دانشجویی. *نشریه دانشگاه آزاد اسلامی*، ۱۱(۳)، ۹۴-۷۷.
- سبزه‌ای، محمدتقی؛ مرداخانی، همایون؛ و مصطفی، شیما (۱۴۰۰). برداشت‌های نسلی از هویت نزد تحصیل کرده‌های کرمانشاه. *فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، ۱۰(۱۸)، ۲۶۹-۳۰۲.
- سلگی، محمد و پیرخائفی، علیرضا (۱۴۰۰). سنجش وضعیت توزیع و ارتباط منزلت‌های هویت فرد و اجتماعی در میان دانشجویان دانشگاه‌های تهران. *فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، ۱۱(۴۴)، ۱۲۳-۱۴۴.
- شیردل، الهام (۱۴۰۳). برساخت هویت قومی در دانشجویان دختر دانشگاه سیستان و بلوچستان. *فصلنامه جامعه‌پژوهی فرهنگی*، ۱۵(۴)، ۲۰۱-۲۳۹.

صدیقی ارفعی، فریبرز؛ گنجی، محمد؛ یزدانی ورزنه، محمدجواد؛ نادى راوندی، مریم (۱۴۰۰). رابطه سبک‌های هویت با جهت‌گیری مذهبی در دانشجویان. *فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۲(۱)، ۲۲-۱.

فرجی هارمی، سمیه؛ خدای، علیرضا؛ کریمی، مجیدرضا (۱۴۰۱). بررسی رابطه اینترنت و گرایش به هویت ملی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی شیراز. *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی*، ۱۳(۵۱)، ۱۱۸-۱۰۳.

قاسمی، وحید؛ عدلی‌پور، صمد؛ میر محمدتبار دیوکلائی، سیداحمد (۱۳۹۲). رابطه هویت دینی و اعتماد اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه مازندران. *فصلنامه دین و ارتباطات*، ۲۰(۴۴)، ۷۳-۹۹. قربانی، مریم؛ مسعودنیار، حسین؛ و آفاحسینی، علیرضا (۱۴۰۱). تجزیه و تحلیل دلایل تضاد میان فکر و رفتار سیاسی ایرانیان؛ بررسی موردی دانشجویان دانشگاه اصفهان. *پژوهشنامه علوم سیاسی*، ۱۷(۲)، ۸۷-۱۲۸.

لایقی، میترا و نوه ابراهیم، عبدالرحیم (۱۳۹۱). بررسی رابطه فرهنگ دانشگاهی با هویت دانشجویی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات. *مجله روان‌شناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن*، ۳(۴)، ۲۱-۹.

محمدی، مهدی؛ ناصری جهرمی، رضا؛ میرغفای، فاطمه؛ خادمی، سولماز؛ طاهری، فروزان؛ صیدی، مریم (۱۴۰۰). طراحی چهارچوب شناخت هویت حرفه‌ای دانشجویان پزشکی براساس برنامه درسی پنهان: رویکرد فراترکیب. *فصلنامه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*، ۱۸(۴۲)، ۲۱-۳۴. محمدتبار، سیداحمد (۱۴۰۴). مطالعه کیفی دلایل و پیامدهای فرسایش هویت دینی و ملی در دانش‌آموزان، *فصلنامه مطالعات راهبرد فرهنگ*، ۵(۴).

مصباحی مقدم، ساعده؛ تنهایی، حسین ابوالحسن؛ شکرپیگی، عالیه (۱۴۰۱). تعامل مطالبه‌گری اجتماعی و هویت ملی جامعه ایرانی در میان دانشجویان. *فصلنامه فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ۱۲(۳)، ۴۵۰-۴۸۰.

نجف‌پور، سارا؛ تدین راد، علی (۱۴۰۰). بررسی تطبیقی اثرگذاری نهادهای جامعه‌پذیرکننده بر فرهنگ سیاسی جوانان (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز). *فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۲۰(۵۴)، ۳۱۹-۳۳۶.

نیازی، محسن و شفائی مقدم، الهام (۱۳۹۸). تبیین رابطه جامعه‌پذیری علمی و شکل‌گیری هویت دانشجویی. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۲۵(۴)، ۵۳-۷۲.

- Ajjawi, R., Gravett, K., & O'Shea, S. (2023). The politics of student belonging: identity and purpose. *Teaching in Higher Education*, 30(4): 791-804.
- Astin, A. W. (1984). Student involvement: A developmental theory for higher education. *Journal of College Student Personnel*, 25(4), 297-308.
- Bourdieu, P. (1986). The forms of capital. In J. G. Richardson (Ed.), *Handbook of theory and research for the sociology of education* (pp. 241-258). Greenwood Press.
- Burke, P. J., & Stets, J. E. (2009). *Identity theory*. Oxford University Press.
- Graddy-Reed, A., Lanahan, L., & D'Agostino, J. (2021). Training across the academy: The impact of R&D funding on graduate students. *Research Policy*, 50(5), 104224.
- Heaven, P. C. L. (1994). *Contemporary Adolescence, a social Psychological approach*. South Melbourne: Macmillan Educational.
- Hori, Y., Sugihara, Y., & Wei, L. (2024). Liquid Crystals: A Phenomenological Approach to Complexity of University Students' Identity Formation through Translanguaging Perspective. *Applied Linguistics*, 46(1): 1-15
- McCloud, T., & Bann, D. (2019). Financial stress and mental health among higher education students in the UK up to 2018: Rapid review of evidence. *Journal of Epidemiology and Community Health*, 73(10), 977-984. <https://doi.org/10.1136/jech-2019-212154>
- Ng, H.K.Y., Chen, S.X., Ng, J.C.K. et al. (2023). Does having multiple identities predict life satisfaction? Holistic thinking as a condition for achieving integrated self-concept. *Curr Psychology*. 42, 789-799. <https://doi.org/10.1007/s12144-021-01477-1>
- Norval, Aletra J. (2003). The Politics of Ethnicity and Identity. in: *Cambridge Dictionary of Sociology*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Tajfel, H., & Turner, J. C. (1979). An integrative theory of intergroup conflict. In W. G. Austin & S. Worchel (Eds.), *The social psychology of intergroup relations* (pp. 33-47). Brooks/Cole.
- Tinto, V. (1993). *Leaving college: Rethinking the causes and cures of student attrition* (2nd ed.). University of Chicago Press.
- Tomlinson, M., & Jackson, D. (2021). Professional identity formation in contemporary higher education students. *Studies in Higher Education*, 46(4), 885-900.
- Van Leeuwen, T. (2021). *Multimodality and identity*. London: Routledge.